

ایران - به اعدام با سنگسار خاتمه دهید

2	1	مقدمه
4	2	حکم سنگسار چگونه اعمال می‌شود
4		قوانین ایران
5		محاکمات ناعادلانه
7		تأثیر نامتناسب بر زنان
9	3	اعدام به وسیله سنگسار
10	4	در انتظار اعدام
12	5	پیکار موفقیت می‌آورد
14		پیکارگران تحت تعقیب
15	6	توصیه‌ها
17		پیوست 1: کمپین علیه سنگسار، نوشته آسیه امینی
21		پیوست 2: آیین‌نامه مجازات زنا در ایران
25		پیوست 3: آیین‌نامه مجازات سنگسار در ایران

1 - مقدمه

«حاضر اعدام شوم، ولی سنگسارم نکنند. خفه ات می کنند و می میری؛ ولی خیلی سخت است که هی با سنگ بزنند توی سر آدم!»

- خیریه، یکی از زنان متعددی که در زندان در ایران در انتظار سنگسار به سر می برد.¹
جعفر کیانی در 5 ژوئیه 2007 در دهکده آچه کند نزدیک تاکستان در استان قزوین سنگسار شد.² او به ارتکاب زنا محصنه با مکره ابراهیمی که از او دو بچه داشت مجرم شناخته شده بود. مکره ابراهیمی نیز به مرگ با سنگسار محکوم شده است.

این حکم سنگسار بر خلاف دستور توقف اجرا در مورد پرونده او و همچنین حکمی که به قرار اطلاع برای توقف سنگسار در سال 2002 از سوی رییس قوه قضائیه صادر شده، اجرا شد. از هنگام اعلام توقف، این اولین سنگساری است که رسماً مورد تأیید قرار گرفته است،³ گرچه معلوم شده است که یک مرد و یک زن در ماه مه 2006 در مشهد به وسیله سنگسار کشته شدند.⁴ این نگرانی وجود دارد که مکره ابراهیمی هم به همین سرنوشت دچار شود.⁵ او در زندان چوبین در استان قزوین به سر می برد و ظاهراً یکی از دو کودکش با او است.⁶

اعدام از طریق سنگسار، مجازاتی که در قانون مجازات ایران مقرر شده، عملی وحشتناک و نامعقول است. عفو بین الملل با مجازات اعدام در هر شرایطی مخالف است و اعتقاد دارد که سنگسار مشخصاً برای افزایش رنج قربانیان طرح شده است. در قوانین ایران مقرر شده است که سنگ باید به اندازه‌ای باشد که درد ایجاد کند، ولی آن قدر بزرگ نباشد که قربانی را فوری بکشد. این مجازات مشخصاً در مورد زناي زنان و مردان همسر دار اعمال می شود، عملی که در غالب کشورهای جهان حتی جرم تلقی نمی شود، و بیشتر کسانی که سنگسار می شوند زن هستند.

عفو بین الملل در عین این که حق حکومت‌ها را برای مجازات کسانی که مرتکب جرم می شوند به رسمیت می شناسد، با مجازات اعدام، به عنوان نقض حق حیات و شکل نهایی مجازات بیرحمانه، نانسانی و تحقیرآمیز، در همه موارد مخالف است. این سازمان در مورد ارزش‌های فرهنگی، مذهبی یا سیاسی که مبنای یک نظام حقوقی خاص باشد موضعی ندارد، ولی بر این مسئله تأکید می کند که قوانین و رویه‌های قضایی با استانداردهای حقوق بشری شناخته شده بین المللی هم‌آهنگی داشته باشند و حکومت‌ها به تعهدات حقوق بشری بین المللی خود پایبند باشند.

از آنجا که ایران یک کشور امضاکننده میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (آی‌سی‌سی‌پی‌آر ICCPR) است، حکومت قانوناً به رعایت مواد این میثاق، و تضمین این که این مواد در قوانین و عملیات مربوط به حقوق بشر بازتاب یابند، ملزم است. اعدام به وسیله سنگسار، مواد 6 (حق حیات) و 7 (منع شکنجه و رفتارها یا مجازات‌های بیرحمانه، نانسانی و تحقیرآمیز) آی‌سی‌سی‌پی‌آر را نقض می کند.

اقدامات حفاظتی سازمان ملل (UN Safeguards) ضمانت‌کننده حفظ حقوق کسانی که با مجازات مرگ روبرو هستند، خواستار شده است که جرایم قابل مجازات با مرگ فقط شامل بدترین جنایات باشند.⁷ این جرایم در چندین قطعنامه سازمان ملل و از جمله قطعنامه 2005/59 کمیسیون حقوق بشر تبیین شده‌اند، که از کشورها می‌خواهد تضمین ایجاد کنند که مفهوم « بدترین جنایات‌ها » چیزی و رای جنایات‌های عمده با عواقب مرگبار یا به نهایت وخیم را در برنگیرد. این قطعنامه همچنین می‌گوید که مجازات اعدام نباید در مورد اعمال ناخشن مانند

روابط جنسي مرضي الطرفين بين افراد بالغ به كار گرفته شود، يا اعمال اين مجازات الزامي تلقی گردد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل تأکید کرده است که «مجازات اعدام باید اقدامی کاملاً استثنایی باشد».⁸

حتی در مواردی که مجازات اعدام به جنایات سنگین استثنایی محدود می‌گردد، نهادهای حقوق بشری بین‌المللی صریحاً اظهار داشته‌اند که اعدام نباید به وسیله سنگسار صورت بگیرد.⁹

علیرغم این‌ها، زنان و مردان همچنان در ایران به خاطر اعمال جنسي مرضي الطرفين سنگسار می‌شوند و این کشور یکی از بالاترین نرخ‌های اعدام در جهان را دارا است. از آغاز سال 2007 تا آخر اکتبر، عفو بین‌الملل بیش از 250 اعدام را ثبت کرده است، که رقمی به مراتب بیش از 177 اعدامی است که در سال 2006 ثبت شده بود.

در 1 اکتبر 2006، گروهی از مدافعان حقوق بشر، حقوقدانان و روزنامه‌نگاران در ایران به رهبری شادی صدر، وکیل، و آسیه امینی، روزنامه‌نگار، با الهام از گزارش‌های او در باره سنگسار، کمپین قانون بی‌سنگسار را به منظور الغای سنگسار در قانون و عمل به راه انداختند. یکی دیگر از سازمان‌دهندگان این کمپین در ایران محبوبه عباسقلی‌زاده است. اینان به دنبال خبر مربوط به سنگسارهای مشهد در مه آن سال و نامه‌ای که در ژوئن 2006 به یک زن زندانی به نام اشرف کلهری نوشته شده و در آن گفته شده بود که 15 روز بعد سنگسار خواهد شد (رجوع کنید به فصل 4)، به اندیشه این اقدام افتادند. در 10 اکتبر 2006، چهارمین روز جهانی علیه مجازات اعدام، خانم ایرین خان، دبیر کل عفو بین‌الملل حمایت عفو بین‌الملل از این کمپین و سازمان‌دهندگان آن را اعلام کرد و به صورت علنی مقامات ایران را فراخواند که سنگسار را فوری ملغاً کنند.

از هنگام آغاز کمپین پنج نفر از سنگسار نجات یافته‌اند (رجوع کنید به فصل 5). اعدام افراد دیگری متوقف شده، و تعدادی از پرونده‌ها مورد بازنگری و دادرسی مجدد قرار گرفته است. بنا به اطلاعات موجود نه زن و دو مرد با مجازات سنگسار روبرو هستند (رجوع کنید به فصل 4). ولی کمپین یاد شده با سرکوب روبرو شده و پشتیبانان آن تحت آزار و تهدید قرار گرفته‌اند.

عفو بین‌الملل حکومت ایران را به الغای فوری و کامل اعدام از طریق سنگسار و دستور توقف مجازات اعدام تا الغا یا اصلاح قانون مجازات فرا می‌خواند. همه احکام اعدام به وسیله سنگسار باید مشمول تخفیف شوند.

عفو بین‌الملل همچنین با جرم شناختن روابط جنسي مرضي الطرفين بين افراد بالغ که در خلوت صورت می‌گیرد مخالف است و به تأکید از مقامات ایران می‌خواهد که همه قوانین مربوطه را با هدف جرم‌زدایی از روابط جنسي مرضي الطرفين بين افراد بالغ که در خلوت صورت می‌گیرد مورد بازنگری قرار دهند.

2 - حکم سنگسار چگونه اعمال می‌شود

قوانین ایران

قانون مجازات پنج نوع جرم را از هم تفکیک کرده است. از جمله این‌ها یکی حدود است (جرائم علیه حق الله که مجازات آنها در قوانین اسلامی مقرر شده و قابل تغییر نیست) و دیگری تعزیر (جرائمی موجب اجرای مجازات‌های اختیاری از سوی حکومت که از قوانین اسلامی استخراج نشده است). در هر دو نوع یادشده، برای برخی از جرائم مجازات اعدام پیش بینی شده است.¹⁰ ماده 83 برای جرم‌های زنا محصنه مرد یا زن همسر دار که از نوع حدود بشمار می‌رود مجازات سنگسار را مقرر کرده است. بنا به قوانین ایران، زنا تنها با شهادت شاهدان عینی (که تعداد آن‌ها بسته به نوع زنا فرق می‌کند)، اعتراف متهم (که چهار بار تکرار شود)، یا «علم» قاضی به وقوع زنا ثابت می‌شود.¹¹

قانون مجازات کیفیت اعدام و نوع سنگ‌هایی را که باید به کار برده شود مشخص کرده است. ماده 102 می‌گوید که برای اعدام با سنگسار، مرد باید تا کمر و زن تا سینه در خاک دفن شود. ماده 104 در رابطه با مجازات زنا می‌گوید «بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند». این ماده مشخص کرده است که هدف از سنگسار وارد کردن دردی طاقت فرسا در فرایندی است که به مرگ تدریجی منتهی شود.

در دسامبر 2002 گزارش شد که رییس قوه قضاییه آیت الله شاهرودی بخشنامه‌ای به قاضیان صادر کرده و دستور داده است که اعدام از طریق سنگسار را متوقف کنند و به جای آن مجازات‌های دیگری را به کار بگیرند. ولی، مفاد قانونی مربوط به اعدام از طریق سنگسار همچنان به جای خود باقی است و در سپتامبر 2003 قانونی از تصویب گذشت که مقررات مربوط به اجرای برخی از احکام و از جمله سنگسار را فهرست کرده بود.

در 21 نوامبر 2006، وزیر دادگستری وقت جمال کریمی‌راد اجرای سنگسار در ایران را تکذیب کرد و این ادعا به وسیله رییس سازمان زندان‌ها در تهران در 8 دسامبر 2006 تکرار شد. شواهد محکمی وجود دارند که نشان می‌دهند واقعیت این نیست.

در عین حال، نشانه‌هایی وجود دارد حاکی از این که بحث‌هایی در درون دستگاه روحانیت و قضایی ایران در باره حذف مجازات سنگسار از قانون مجازات در جریان است. برخی از روحانیان برجسته شیعه اظهار داشته‌اند که در ایران جدید سنگسار نباید اجرا شود. برای مثال، آیت الله العظمی منتظری¹² گفته است که بر اساس قوانین اسلامی اثبات زنا بسیار سخت است، چرا که باید چهار نفر آن را دیده باشند و تحقق این شرط تقریباً ناممکن است. او همچنین گفته است که در مواردی که فردی به زنا اعتراف کرده باشد و بعد اعتراف خود را پس بگیرد مجازات باید تخفیف پیدا کند و اگر اجرای حکم سنگسار باعث وهن اسلام شود نباید آن را اجرا کرد.¹³ آیت الله العظمی صانعی در سال 2007 فتوایی صادر کرد مبنی بر این که در دوران ادامه غیبت امام دوازدهم، سنگسار و قطع عضو نباید اجرا بشود.¹⁴

ولی این بحث‌ها هنوز راه درازی در پیش دارند. در سپتامبر 2007، دبیر کل ستاد حقوق بشر و معاون رییس قوه قضاییه محمد جواد لاریجانی گفت «رجم نه شکنجه است و نه مجازاتی غیرمتناسب» و از انواع دیگر اعدام‌ها خفیف‌تر است «چون در رجم این امکان وجود دارد که فرد بتواند نجات پیدا کند». ولی او اضافه کرد که کاربرد سنگسار در ایران دیگر معمول نیست

و مورد تاكستان (كه در بالا به آن اشاره شد) بر اثر اشتباه قاضي صورت گرفته است.¹⁵ نامبرده در مصاحبه‌اي پيش از آن در ژوئيه 2007، به دنبال سنگسار جعفر كياني، گفته بود: «ما در باره حقوق بشر حدود چهار سند مهم را امضا کرده‌ايم. هيچ‌كدام از اينها مخالف سنگسار نيست. غربي‌ها بر اساس تفسير يي كه از اين مواد و متون دارند با سنگسار مخالفت مي‌كنند.

در ژوئيه 2007، تصويب موقتي قانون مجازات از سوي مجلس منقضي شد. در ابتدا، مجلس تحت عنوان اين كه تعداد زيادي از نمايندگان معتقدند كه بايد متن نهايي براي بررسي به آنان ارجاع شود، از تمديد مجدد آن امتناع كرد. تصور مي‌رود كه پس از گفتگوهايي با قوه قضاييه، قانون مجازات براي يك سال ديگر تمديد شد و از قوه قضاييه خواسته شد ظرف سه ماه لايحه جديدي ارائه كند. در نامه‌اي به تاريخ 5 اكتوبر 2007، عفو بين‌الملل از رييس قوه قضاييه خواست كه از اين فرصت براي بازنگري در قانون مجازات استفاده شود و مجازات سنگسار يكبار و براي هميشه، به عنوان گامي در جهت الغاي كامل مجازات اعدام، از قوانين كشور حذف گردد. عفو بين‌الملل همچنين تأكيد كرد كه نوع ديگري از مجازات مرگ‌آور يا مجازاتي كه نوعي از شکنجه يا رفتار بي‌رحمانه، نانساناني يا تحقير‌آمیز باشد جانشين مجازات مرگ به وسيله سنگسار نگردد. در نوامبر 2007، علي‌رضا جمشيد ي سخنگوي قوه قضاييه گفت كه در قانون جديد مجازات اسلامي اصلاحيه‌اي در خصوص مجازات سنگسار پيش‌بيني شده كه بر اساس آن در موارد يي كه مصلحت اجرا نباشد، به پيشنهاد دادستان و موافقت رييس قوه قضاييه، مجازات متوقف مي‌شود.¹⁶ غلامحسين الهام، سخنگوي دولت، هم گفت كه قانون مجازات جديد از طرف دولت تأييد شده و براي تصويب به مجلس فرستاده شده است. در زمان نوشتن اين گزارش، اما، اين لايحه هنوز تصويب نشده است.¹⁷

عفو بين‌الملل از اين اقدامات در جهت اصلاح استقبال مي‌كند و مقامات ايران را اكيدا فرا مي‌خواند كه اين كه حتماً ترتيب يي بدهند كه قانون جديد نه سنگسار را مجاز كند و نه به خاطر زنا اعدام به هر وسيله ديگري را مقرر كند.

محاکمات ناعادلانه

بر اساس قوانين حقوق بشري بين‌المللي، كساني كه مظنون يا متهم به جرايم مشمول اعدام مي‌شوند حق دارند كه از رعايت دقيق‌ترين ضمانت‌هاي محاكمه عادلانه در همه مراحل قانوني و از جمله در مرحله تحقيق و همچنين تضمين‌هاي خاص اضافي برخوردار شوند. كميته حقوق بشر سازمان ملل گفته است كه مجازات اعدام بايد فقط پس از انجام محاكمه‌اي كه در آن همه تضمين‌هاي رويه‌اي براي يك دادرسي عادلانه تأمين شده باشد صادر شود.¹⁸ اجرائي هر حكم اعدامي پس از محاكمه‌اي كه در آن همه تضمين‌هاي دادرسي عادلانه رعايت نشده باشد در حكم محروم ساختن خودسرانه از حق حيات خواهد بود.

در ايران، نارسايي‌هاي شديد در نظام قضايي معمولاً به محاكمات ناعادلانه، از جمله در پرونده‌هاي اعدام، منجر مي‌شود. اين نارسايي‌ها از جمله شامل موارد زير است: فقدان دسترسي به مشاور حقوقي و وكيل انتخابي؛ بدرفتاري در بازداشت پيش از محاكمه؛ اجازه استفاده از اقرارهاي اخذ شده تحت فشار در جريان دادرسي؛ کاربرد بازداشتگاه‌هاي تحت كنترل سازمان‌هاي مختلف امنيتي؛¹⁹ محروميت از حق احضار شاهد از طرف متهم؛ كوتاهي در ارائه

وقت کافي به متهم براي ارائه دفاعيات؛ و زنداني کردن وکیلان مدافع در صورت اعتراض به ناعادلانه بودن روند محاکمه.²⁰

براي نمونه، حق متهم در استفاده از مشاور حقوقی یکی از تضمین‌های کلیدی برای يك محاکمه عادلانه است که در قوانین بین‌المللی تثبیت شده²¹ و همه مراحل رسیدگی قضایی را در بر می‌گیرد. در ایران، اما، به دلیل تفسیر به نهایت محدود از قانون، متهمان در عمل فقط پس از تکمیل تحقیقات و تفهیم رسمی اتهام حق دسترسی به وکیل دارند. نتیجه این کار یکی دوران بسیار طولانی بازداشت بدون حق ارتباط و دیگری بازجویی بدون حضور وکیل است، که هر دو کاربرد شکنجه و بد رفتاری برای گرفتن اقرار را تسهیل می‌کنند.²² علاوه بر این، قاضیان می‌توانند در پرونده‌های مربوط به امنیت کشور یا «فساد»، وکیل را از حضور در جلسات دادگاه ممنوع کنند. در نتیجه، در مواردی، مانند پرونده‌هایی که شخص متهم به فحشا است، امکان دارد که افرادی به مرگ به وسیله سنگسار محکوم شوند در حالی که در تمامی مراحل بازداشت، محاکمه و صدور حکم از دسترسی به وکیل محروم بوده‌اند.

در موارد اتهام به زنا، قانون مجازات اسلامی به قاضیان اجازه می‌دهد که حتی در صورتی که جرم از طریق معیارها و راه‌های تعیین شده در همان قانون مجازات اثبات نشده است متهم را به مرگ محکوم کنند. ماده 105 به قاضیان - که در ایران همه آن‌ها مرد هستند - اجازه مطلق می‌دهد که صرفاً بر اساس «علم» مستند قاضی که می‌تواند تفسیر ذهنی او از پرونده باشد، متهم را به مرگ به وسیله سنگسار محکوم کنند.²³ این امر به وضوح مواد مربوط به محاکمه عادلانه در میثاق آسی‌سی‌پی‌آر را که ایران تصویب کرده، و از جمله حق برابری در برابر قانون، اصل برائت، و حق محاکمه در دادگاهی صالح، مستقل و بی‌طرف را، نقض می‌کند.²⁴

بر اساس قانون تجدید نظر²⁵ و آیین دادرسی جنایی،²⁶ در مورد همه احکام اعدام ظرف مدت 20 روز از صدور حکم می‌توان تقاضای تجدید نظر کرد. به احکام سنگسار در دیوان عالی کشور رسیدگی می‌شود. در صورتی که دیوان عالی کشور نقضی در محکومیت یا حکم ببیند، پرونده معمولاً برای محاکمه مجدد به يك دادگاه پایین‌تر ارجاع می‌گردد.

اگر دیوان عالی کشور حکم را تأیید کند، متهم می‌تواند به آن اعتراض کند و پرونده برای بازنگری به شعبه دیگری از دیوان عالی کشور که نقش بازنگری یا تشخیص²⁷ دارد ارجاع می‌شود. در غیر این صورت، حکم به رییس قوه قضاییه فرستاده می‌شود و او پیش از ارجاع آن به قاضی اجرای احکام آن را مورد بررسی قرار می‌دهد. رییس قوه قضاییه می‌تواند اجرای حکم را متوقف کند.

بر اساس ماده 24 قانون مجازات، مقام رهبری می‌تواند به پیشنهاد رییس قوه قضاییه «در حدود موازین اسلامی» احکام را تخفیف دهد یا ببخشد. عبارت مذکور ظاهراً موارد حدود را، که بخشش حکم در حیطه قدرت حکومت دیده نمی‌شود، استثنا کرده است.²⁸ ولی در مورد زنا، «لواط»، رفتار همجنس‌گرایانه بدون دخول، و مساحقه، اگر فرد به جرم اقرار کرده و سپس از آن توبه کند (توبه علنی با آمرزش‌خواهی از خدا)، قاضی پرونده می‌تواند از مقام رهبری تقاضای عفو کند یا بر اجرای حکم ابرام بورزد.²⁹

معنای این حرف ظاهراً این است که در مورد بسیاری از جرایم مستوجب مجازات اعدام در ایران، و به خصوص در مواردی که متهم به جرم اعتراف نکرده باشد، امکانی برای بخشش یا تخفیف از سوی حکومت وجود ندارد یا امکان آن بسیار محدود است. این امر ماده 6 (4) آسی‌سی‌پی‌آر را نقض می‌کند که می‌گوید:

«هر فرد محکوم به اعدام باید حق داشته باشد که تقاضای بخشش یا تخفیف برای محکومیت خود بکند. حکم اعدام در همه موارد می‌تواند مشمول عفو، بخشودگی یا تخفیف شود.»³⁰

کمیسیون عفو و بخشودگی³¹ که جزو قوه قضاییه است می‌تواند در مورد طیفی از جرایم، از جمله برخی موارد مشمول حکم اعدام، عفو یا تخفیف مجازات را توصیه کند. این توصیه اگر از سوی رییس قوه قضاییه پذیرفته شود، در یکی از روزهای 11 گانه مهم کشور مانند سالگرد انقلاب یا روزهای مقدس اسلامی، به مرحله اجرا در می‌آید.

محاکمه ناعادلانه حاجیه اسماعیلوند

حاجیه اسماعیلوند،³² يك زن 35 ساله آذربایجانی از جلفا در شمال غرب ایران، در آوریل 2004 پس از يك محاکمه ناعادلانه، به اتهام زنا و مشارکت در قتل شوهرش مجرم شناخته شد.³³ او در شعبه 3 دادگاه عمومی جلفا به پنج سال زندان به خاطر شرکت در قتل، و اعدام به وسیله سنگسار به خاطر زنای محصنه محکوم شد. او بعداً به مقامات قضایی نوشت که صرفاً چون تحت فشار بوده اقرار کرده است، ولی به زنا اصلاً اقرار نکرده و در قتل هم نقشی نداشته است. او همچنین گفت که به ترکی سخن می‌گوید و سواد کافی ندارد و معنای کلمه «دخول» را نمی‌داند. به گفته آسیه امینی، روزنامه‌نگاری که گزارش‌های او در باره سنگسار الهام‌بخش کمپین قانون بی‌سنگسار بوده و در باره این پرونده تحقیق کرده است، حاجیه اسماعیلوند در دادگاه اظهار داشته که قاتل قصد تجاوز به او را داشته ولی نتوانسته این کار را انجام دهد. در عین حال، بعداً در جریان دادگاه، او کاغذی را که حاوی اقرار او به زنا بوده امضا کرده است. او چند سال پس از آن را بدون این که حکم خودش را بداند در زندان گذرانده است زیرا معنای کلمه «رجم» را نمی‌داند. پس از سپری کردن پنج سال در زندان، قرار اجرای سنگسار برای 1 سپتامبر 2004 در زندان جلفا گذاشته می‌شود. مقامات قضایی محل به قرار اطلاع اطلاعیه‌هایی برای دعوت اهالی به مشارکت چاپ و پخش می‌کنند. ولی قاضی اجرای حکم نقایصی در پرونده می‌بیند و اجرای حکم موقتاً به حال تعلیق در می‌آید. حکم بالاخره پس از فشارهای بین‌المللی و از جمله از طرف عفو بین‌الملل تخفیف می‌یابد و پرونده برای تجدید محاکمه به شعبه 1 دادگاه جنایی جلفا ارجاع می‌شود. نامبرده در سپتامبر 2006 با قرار وثیقه آزاد شده و سرانجام پس از محاکمه مجدد در 9 دسامبر 2006 از اتهام زنا تبرئه گردیده است. پس از آزادی نامبرده، وکیلان او برای لغو محکومیت او به اتهام مشارکت در قتل تلاش خود را آغاز کرده‌اند.

تأثیر نامتناسب بر زنان

در ایران، مجازات مرگ به وسیله سنگسار به طور نامتناسبی بر زنان تأثیر می‌گذارد. يك دلیل امر این است که، بر خلاف صریح استانداردهای بین‌المللی محاکمات عادلانه، با زنان از نظر قانون و در دادگاه‌ها برابر رفتار نمی‌شود. در نظام قضایی ایران ارزشی که به شهادت يك مرد داده می‌شود برابر شهادت دو زن است، و در مورد برخی از جرایم از جمله زنا، شهادت يك زن به تنهایی یا همراه با فقط يك مرد قابل پذیرش نیست.³⁴

زنان همچنین به دلیل این که بیشتر از مردان احتمال دارد بی‌سواد باشند و بنا بر این بیشتر امکان دارد که پای اقرار به جرایمی را امضا کنند که مرتکب نشده‌اند، بیشتر در معرض آسیب‌پذیری از محاکمات ناعادلانه هستند.³⁵ علاوه بر این، زنان اقلیت‌های قومی کمتر می‌توانند به فارسی - زبان رسمی دادگاه - صحبت کنند و از این رو غالباً متوجه نیستند که در فرایند قانونی چه بر سر آنها می‌آید و یا حتی این که با مرگ از طریق سنگسار روبرو هستند. زنان، که بخش بسیار کوچتری از نیروی کار را تشکیل می‌دهند و نمی‌توانند بدون اجازه شوهر کار کنند، احتمالاً فقیرتر از مردان هستند و لذا نمی‌توانند از مشاوره حقوقی خوب بهره بگیرند.

تبعیض علیه زنان در سایر وجوه زندگی‌شان نیز آنان را بیشتر در معرض محکومیت به خاطر زنا قرار می‌دهد. زنان تنها یک شریک جنسی، یعنی شوهر، می‌توانند داشته باشند، در حالی که مردان می‌توانند تا چهار همسر دائم و تعداد نامحدودی زنان صیغه‌ای برای خود بگیرند. مردان از حق بدون چون و چرا در مورد طلاق برخوردارند، در حالی که زنان حق طلاق محدودی دارند تا برای ازدواج با مرد دیگری آزادی بیابند. بسیاری از زنان از هیچ حقی در انتخاب شوهر برخوردار نیستند و بسیاری از آن‌ها در سن پایین ازدواج می‌کنند.³⁶

زنان در رفتار خود با محدودیت‌های تبعیض‌آمیز شدیدی روبرو هستند که حکومت بر آنان تحمیل کرده و آنها را کنترل می‌کند و حق آزادی بیان و حرکت آنان را محدود می‌سازد. علی‌رغم این گونه کنترل‌ها و برخی از جداسازی‌های جنسیتی، وقتی زنان با قانون مشکل پیدا می‌کنند آنان معمولاً، و صرف نظر از ارعاب، آزار و ترسی که این امر ممکن است به همراه داشته باشد، به وسیله مردان دستگیر و بازجویی می‌شوند، و مورد قضاوت قرار می‌گیرند.³⁷

فقر، اعتیاد و خشونت خانگی نیز در آسیب‌پذیر ساختن بیشتر زنان از سنگسار، در مقایسه با مردان، نقش ایفا می‌کنند. همان‌طور که در برخی از موارد یادشده در پایین دیده می‌شود، برخی از اوقات زنان همسردار به وسیله شوهرشان در یک رابطه اجحاف‌آمیز یا به منظور تأمین هزینه اعتیاد آنان به فحشا وادار می‌شوند. چنین زنانی در صورت دستگیری در خطر اتهام به زنا محصنه و، در صورت محکومیت، اعدام به وسیله سنگسار هستند.

و بالاخره، خود روند اجرای اعدام تبعیضی علیه زنان است. ماده 102 قانون مجازات می‌گوید که «مرد را هنگام رجم تانزدیکی کمر و زن را تانزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند». ماده 103 می‌گوید که هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زنا یا او به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی‌شود، ولی به روشنی، فرار برای یک زن که در عمق بیشتری دفن شده سخت‌تر خواهد بود تا یک مرد.

3 - اعدام به وسیله سنگسار

«يك کاميون تعداد زيادي سنگ و سنگريزه در کنار زمين باير ريخت، و سپس دو زن را که سفيد پوشيده بودند و گوني بر سر آنان کشيده بودند به محل آوردند.... باران سنگ بر سر آنان باريدن گرفت و آنان را به دو كيسه قرمز تبديل کرد.... زنان زخمخورده به زمين افتادند و پاسداران انقلاب با بيل بر سر آنان کوبيدند تا مطمئن شوند آنان مرده‌اند.»

- گزارشي از يك شاهد عيني منتشره از سوي عفو بين‌الملل در سال 1987.³⁸

در ايران، هميشه اعدام از طريق سنگسار در مقايسه با انواع ديگر اعدام‌ها، که اکثريت غالب آن‌ها به وسيله دار انجام مي‌شود، کم بوده است. در چند سال اوليه پس از انقلاب سال 1979 تعداد نسبتاً کمی سنگسار از سوي عفو بين‌الملل ثبت شده است. ولي در 1986، دست کم هشت نفر به وسيله سنگسار کشته شدند. در بين آنان، زني بود که براي قتل و زنا مجرم شناخته شده بود و در ماه آوريل در شهر قم ابتدا به او صد ضربه شلاق زدند و سپس او را سنگسار کردند. برخي اين اتفاق را با تصويب قانوني در سال 1986 مرتبط مي‌دانند که با کنار گذاشتن قانون مربوط به صلاحيت قاضيان، اجازه مي‌داد افراي با حد اقل تجربه، به شرط داشتن ديپلم دبirstان يا تأييديه شوراي عالي قضايي، به عنوان قاضي استخدام شوند. اين امر به افزايش تعداد قاضيانی که از سابقه سنتي مذهبي برخوردار بودند منجر گرديد.

در سال 1995، عفو بين‌الملل گزارش‌هايي دريافت کرد که ممکن است حدود 10 نفر در آن سال به وسيله سنگسار اعدام شده باشند. در مه 2001، بنا به گزارش‌ها زني که نامش اعلام نشد پس از محکوميت به اتهام زنا و «فساد في الارض» به علت شرکت در يك فيلم پورنوگرافي با سنگسار اعدام شده است. او به زناي محصنه و قتل شوهرش مجرم شناخته شده بود. در ژوئيه همان سال، بنا به گزارش، مريم ايوبي 30 ساله در زندان اوين تهران به وسيله سنگسار اعدام شد.³⁹ در سال 2002، گزارش اعدام دست کم دو تن به وسيله سنگسار رسیده است.

در عين حال، در طول سال‌ها عفو بين‌الملل گزارش‌هايي مربوط به کسان ديگري را که به اعدام به وسيله سنگسار محکوم شده‌اند دريافت کرده است ولي نتوانسته مشخص کند که آیا اين احکام اجرا شده است يا خير. براي نمونه، بنا به گزارش، فردوس ب. و سيما در 2001 به مرگ به وسيله سنگسار محکوم شدند.⁴⁰ گرچه گزارش رسيد که حکم سنگسار زني که فقط سيما ناميده شده در اکتبر 2004 از سوي رييس قوه قضاييه لغو شده است،⁴¹ روشن نيست که آیا اين زن همان سيما است يا خير، و هيچ اطلاعي در مورد سرنوشت فردوس ب. يا اتهاماتي که به او متوجه شده بود نرسیده است. در 8 ژانويه 2004، روزنامه «ايران» گزارش داد که يك دادگاه جنايي در شهر قزوین مردی را که نامش برده نشده به 80 ضربه شلاق و 10 سال زندان و سپس اعدام به وسيله سنگسار محکوم کرده است.⁴²

پس از دستور توقف سنگسار در سال 2002، اولين اعدام به وسيله سنگسار در مه 2006 در مشهد گزارش شده است. گفته شده که عباس ح. و محبوبه م. در بخشي از گورستان بهشت رضا که فُرُق شده بود به دست بيش از 100 نفر از نيروهاي سپاه و بسيج⁴³ سنگسار شدند. بنا به گزارش، عباس ح. و محبوبه م. همانند مردگان شستشو و کفن و سپس در گودال‌هايي که قبلاً در زمين کنده شده بود قرار داده شدند. پس از قرائت قرآن، افراد حاضر به سنگپراني بر عباس ح. و محبوبه م. پرداختند و بنا به گزارش بيش از 20 دقيقه جان دادن آنان طول کشيد. گفته شده که آن دو به زناي محصنه و قتل شوهر محبوبه م. مجرم شناخته شده بودند. بنا به گزارش،

محبوبه م. همچنین به 15 سال زندان محکوم شده بود، که بر اساس قوانین ایران می‌بایستی پیش از اعدام به وسیله سنگسار سپری می‌شد.

وحشتناکی این گونه اعدام‌ها به وسیله یک زندانی سابق، همبند زنی به نام زهرا که در اواخر دهه 1990 به وسیله سنگسار اعدام شده است، در ژوئیه 2006 تشریح شد.⁴⁴ او گفت که با زهرا، زنی گردصورت با چشمانی سیاه و موهای کوتاه، در روزهای پیش از محاکمه او آشنا شده بود. او گزارش داد که زهرا پس از بازگشت از دادگاه به خاطر شلاق‌هایی که خورده بود از حال رفته بود ولی از این نظر خیالش راحت شده بود که به او گفته بودند روز بعد آزاد خواهد شد. زندانی‌ها جشن گرفتند. ولی روز بعد، زهرا اعدام شد:

«وقتی که زهرا با یک دنیا امید و آرزو به خیال خودش به سمت اجرای احکام برده می‌شده ناگهان او را به سمت انفرادی برده و در آنجا بوده که متوجه می‌شود ماجرا از چه قرار است. در آنجا غسل داده می‌شود و دعاها و قوانین مربوطه اجرا می‌شود و به سمت جایگاه مخصوص برده می‌شود، با کفن تا گردن داخل چاله قرار داده و مراسم شروع می‌شود.

«سنگهایی را در گوشه‌ای جمع آوری کرده بودند... در همین حال او از خاک با تقلای زیاد به بیرون آمده بود ولی دوباره قاضی ناظر دستور می‌دهد که برش گردوندند به داخل چاله و در تمام این مدت پسر کر و لالش، جواد ناظر این صحنه بوده است...»
«در آخر هم شخصی به نام تقی با یک بلوک سیمانی آخرین ضربه را وارد می‌کند و تمام می‌شود...»

«او برای همیشه با سینه‌ای پر از حرف‌های نگفته و دلی تنگ رفت ولی در یاد من و شاید خیلی‌های دیگر اسمش به عنوان یک زن، یک انسان، یک مادر دلتنگ ماند. به هر حال همه ما خطاهای در زندگیمان می‌کنیم اگرچه کارش غیر اخلاقی بوده ولی این نوع مجازات کردن به نظر من و خیلی‌ها وحشیانه است و باید نقض شود.»

4 - در انتظار اعدام

بنا به اطلاعات رسیده به عفو بین‌الملل، دست کم 9 زن - ایران، خیریه، کیران، فاطمه، اشرف کلهری، شمامه قربانی، مکرمه ابراهیمی، لیلیا قمی و هاجر - همراه با دو مرد - عبدالله فریور و یک مرد افغان که نامش مشخص نشده - در خطر اعدام به وسیله سنگسار هستند.

1 - ایران، یک زن بختیاری، بنا به گزارش موقعی که در حیاط خانه‌اش با پسر همسایه صحبت می‌کرده با چاقو مورد حمله شوهرش قرار گرفته است. او بیهوش و خونین روی زمین می‌افتد. ادعا شده که در حالی که او بیهوش بوده، مرد جوان شوهر او را با استفاده از همان چاقو کشته است. موقعی که پلیس در مورد قتل از ایران بازجویی می‌کرده، بنا بر گزارش، او به زنا با پسر همسایه اقرار کرده است. او بعداً اقرار خود را پس می‌گیرد. دادگاهی در خوزستان، جنوب غربی ایران، او را به خاطر شرکت در قتل شوهرش به پنج سال زندان و به خاطر زنا با محسنه به اعدام با سنگسار محکوم می‌کند. دیوان عالی کشور در آوریل 2006 حکم را تأیید می‌کند. وکیل او به شعبه تشخیص دیوان عالی کشور دادخواست می‌دهد که به دلیل نقائص پرونده حکم را نقض کنند. در ژوئن 2007، اعلام شد که شعبه 13 تشخیص حکم سنگسار را نقض کرده و پرونده را برای تجدید محاکمه در یک دادگاه جنایی خوزستان فرستاده است. معلوم

نیست که آیا محاکمه مجدد انجام شده است یا خیر. او در زندان سپیدار اهواز در بازداشت به سر می‌برد.

2 - خیریه در شعبه 3 دادگاه بهبهان در خوزستان به خاطر شرکت در قتل به مرگ و به خاطر زنای محصنه به مرگ به وسیله سنگسار محکوم شده است. بنا به گزارش، او از دست شوهرش آزار و خشونت دیده بوده و با یکی از بستگان شوهرش که بعداً شوهر او را کشته رابطه برقرار کرده است. خیریه به زنا اقرار کرده، ولی هر گونه شرکت در قتل شوهرش را تکذیب کرده است. حکم تأیید شده است و گویا پرونده برای صدور مجوز اجرایی حکم برای رییس قوه قضاییه فرستاده شده است.

3 - کبران. که در زندان تبریز در شمال غرب ایران به سر می‌برد، به خاطر شرکت در قتل شوهرش به هشت سال زندان و به خاطر زنای محصنه به مرگ با سنگسار محکوم شده است. گویا او به وسیله شوهرش که معتاد هروئینی بوده و او را آزار می‌داده به فحشا وادار شده است. در 1995، پس از کتک‌های سختی که از شوهرش می‌خورد به یکی از مشتریان همیشگی‌اش می‌گوید که می‌خواهد شوهرش را بکشد. گفته شده که کبران. این مشتری را سر قرار می‌برد و او شوهر کبرا را می‌کشد. او به مرگ محکوم می‌شود، ولی پس از پرداخت دیه، از سوی خانواده قربانی مورد عفو قرار می‌گیرد. بنا به گزارش، کبران. به کیسیون عفو و بخشودگی درخواست داده است که در حکم اعدام او به وسیله سنگسار تخفیف قایل شوند و منتظر پاسخ است.

4 - مردی افغانی که نامش مشخص نشده در مشهد به خاطر تجاوز به خواهر 16 ساله همسرش با خطر مرگ به وسیله سنگسار روبرو است.⁴⁵ شعبه 41 دیوان عالی کشور حکم اولیه را نقض کرد، اما دادگاه دیگری در مشهد او را دوباره به سنگسار محکوم کرد. این حکم نیز نقض شد و پرونده برای محاکمه مجدد در مشهد ارسال شد. حکم سوم سنگسار صادر شد و هیأت عمومی دیوان عالی کشور آن را در تاریخ 20 فوریه 2007 تأیید کرد. این حکم حق قضایی را در استفاده از علم خود برای تصمیم‌گیری در باره پرونده پذیرفت زیرا مرد مذکور فقط سه بار اقرار کرده بود، نه چهار بار.

5 - فاطمه به علت «روابط نامشروع» با مردی به نام محمود به اعدام به وسیله سنگسار، و به خاطر مشارکت در قتل او به مرگ محکوم شده است. او در شعبه 71 دادگاه جنایی استان تهران در مه 2005 محکوم شد. شوهر او به دلیل مشارکت در قتل محمود به 16 سال زندان محکوم شده است. پرونده در دیوان عالی کشور تحت رسیدگی است. بنا به گزارشی در روزنامه اعتماد در مه 2005، بین محمود و شوهر فاطمه یک درگیری پیش می‌آید. فاطمه اقرار کرده است که طنابی را به دور گردن محمود انداخته که به خفگی او منجر شده است. او گفته که فقط می‌خواست پس از این که محمود بیهوش شده دست و پای او را ببندد و او را تحویل پلیس بدهد.

6 - اشرف کلهری، دارای چهار فرزند، به علت زنای محصنه به مرگ به وسیله سنگسار و به خاطر مشارکت در قتل شوهرش به 15 سال زندان محکوم شده است. بنا به گفته اشرف کلهری، کشته شدن شوهرش تصادفی بوده است، ولی پلیس او را به داشتن رابطه با همسایه و تشویق او به حمله متهم کرده است. او بنا به گزارش، در بازجویی پلیس به زنا اقرار کرده، ولی بعداً آن را پس گرفته است. او قرار بود پیش از پایان ژوئیه 2006 سنگسار شود، ولی اعدام او به دستور رییس قوه قضاییه آیت‌الله شاهرودی متوقف شد.⁴⁶

7 - شمامه قرباني (که ملك نیز نامیده می‌شود) يك کرد ایراني است و در دادگاهی در ارومیه در ژوئن 2006 به علت زناي محصنه به اعدام به وسیله سنگسار محکوم شده است. بنا به گزارش، برادران او همراه با شوهرش مردی را که در خانه او دیده بودند کشته‌اند و او را هم تا حد مرگ چاقو زده‌اند. در نوامبر 2006، گزارش رسید که دیوان عالی کشور حکم سنگسار را با اشاره به ناکافی بودن تحقیقات نقض و دستور تجدید محاکمه را صادر کرده است. عقیده بر این است که شمامه قرباني به تصور این که اگر به زناي خود اقرار کند شوهر و برادرانش از پیگرد قانونی به خاطر قتل رهایی می‌یابند، در دادگاه به زنا اقرار کرده است. بر اساس قوانین ایران، اگر قتلی به خاطر دفاع از ناموس خود یا یکی از بستگان شخص صورت بگیرد از مجازات معاف است. بنا به گزارش، شمامه قرباني در نامه‌ای به شعبه 12 دادگاه جنایی نوشته است:

«از آنجا که زنی روستایی و بی سواد بودم و از قانون بی خبر بودم، نفهمیدم که چه کردم و فکر کردم اگر اعتراف به ارتباط با مقتول کنم، می‌توانم برادر و شوهرم را از اتهام قتل عمد تبرئه کنم. من صرفاً به این لحاظ حرف‌های نامربوط در دادگاه زدم و اینک فهمیدم که در حق خود ظلم کردم.»

8 - عبدالله فریور بنا به گزارش به مرگ با سنگسار محکوم شده است. او در نوامبر 2004 به دنبال شکایت مردی که او را به رابطه نامشروع با دخترش متهم کرده بود دستگیر شده است. عبدالله فریور در کار موسیقی است و بنا به گزارش به دختر جوانی آموزش می‌داده و از 16 سالگی او با او رابطه جنسی داشته است. او می‌گوید که در آغاز به خاطر ترس از کارآگاهان پلیس، او سه بار در طول سه هفته اقرار کرده است. بنا به قانون مجازات، جرم با چهار بار اقرار اثبات می‌شود. ولی، عبدالله فریور طی نامه‌ای به دادگاه نوشته که او هیچگاه برای بار چهارم اقرار نکرده است. او همچنین گفته است که چون همسرش مشکلات پزشکی دارد که مانع رابطه جنسی می‌شود، او محصل جوان را صیغه خود کرده است و بنا بر این رابطه او با این دختر زنا نبوده و قانونی بوده است.

9 - مکرمه ابراهیمی به خاطر زناي محصنه با جعفر کیانی که با سنگسار اعدام شده است (به مقدمه در بالا رجوع کنید) با مرگ به وسیله سنگسار رویرو است. در نیمه اکتبر 2007، وکیل او سعید اقبالی اعلام کرد که پرونده او از سوی دفتر ریاست قوه قضاییه به کمیسیون عفو و بخشودگی ارجاع شده است.⁴⁷

10 - لیلا قمی ظاهراً در زندان اوین در تهران به سر می‌برد و به مرگ با سنگسار محکوم شده است. عفو بین‌الملل اطلاع دیگری در باره او در دست ندارد.⁴⁸

11 - هاجر بنا به گزارش به خاطر زناي محصنه در شعبه 5 دادگاه عمومی مشهد در سپتامبر 2007 به مرگ با سنگسار محکوم شده است. بنا به گزارش، يك مرد متهم در همین پرونده به دلیل زنا به 100 ضربه شلاق محکوم شده است.⁴⁹

5 - بیکار موفقیت می‌آورد

«از طرف کمپین قانون بی‌سنگسار و به خصوص وکیلان داوطلب و فعالان جنبش زنان در ایران، من عمیق‌ترین قدردانی‌ها و سپاس‌های فراوان‌مان را به خاطر تلاش ارزنده شما در باره سنگسار در ایران در نیمه اول سال 2006 تقدیم می‌کنم. لطفاً تحیات ما را به خانم آیرین خان به خاطر پیام مؤثر ایشان برسانید. شما می‌دانید که این آغاز راهی دراز است که ما نمی‌توانیم

بدون حمایت همه فعالان حقوق بشر در سراسر جهان به پایان برسانیم.» ایمیل شادی صدر، کمپین قانون بی‌سنگسار به عفو بین‌الملل، اکتبر 2006.

از هنگام آغاز کمپین قانون بی‌سنگسار، چهار زن و یک مرد از سنگسار نجات یافته‌اند - حاجیه اسماعیلوند، صغری مولایی، زهرا رضایی⁵⁰، پریسا الف. و نجف شوهر پریسا الف. سنگسار یک زن دیگر، اشرف کلهری، موقتا متوقف شده است.

حاجیه اسماعیلوند در 9 دسامبر 2006 از اتهام زناي محصنه، که به خاطر آن به اعدام با سنگسار محکوم شده بود، تبرئه شد. او در سپتامبر 2006 به قرار وثیقه آزاد شد تا محاکمه‌اش تجدید شود.

پریسا الف پس از ریختن پلیس به فاحشه‌خانه‌ای در شیراز که او در آنجا کار می‌کرده، همراه با افراد دیگری که آنجا بودند، از جمله شوهرش **نجف**، دستگیر شد. ادعا شده که نجف به دلیل فقر خانوادگی و بیکاری خودش پریسا را به فحشا واداشته بوده است. در بازجویی‌های اولیه، پریسا و شوهرش به زنا اقرار کردند ولی گفتند که فقر خانوادگی آنان را به این کار کشانده است. در جریان محاکمه پریسا در شعبه 5 دادگاه جنایی استان فارس، او اقرار زنا را پس گرفت. اما، در 21 ژوئن 2004، پریسا و نجف هر دو به زناي محصنه مجرم شناخته شدند و به مرگ با سنگسار محکوم گردیدند. در 15 نوامبر 2005، شعبه 32 دیوان عالی کشور حکم را تأیید کرد. وکیل پریسا، غلامحسین رئیسی⁵¹ حقوقدان و فعال حقوق بشر و عضو شبکه وکلای داوطلب که تعداد زیادی از پرونده‌های سنگسار را به عهده گرفته‌اند، اعتراضیه‌ای علیه این احکام سنگسار به شعبه تشخیص دیوان عالی کشور تقدیم کرد. در 8 نوامبر 2006، شعبه 15 دیوان عالی کشور پرونده‌ها را بازنگری کرد. در تمام طول دادگاه، پریسا دست پسر سه ساله‌اش را گرفته بود. در 27 نوامبر، دیوان عالی کشور حکم پریسا و شوهرش هر دو را به شلاق تغییر داد. پریسا پس از تحمل 99 ضربه شلاق در 5 دسامبر 2006 آزاد شد.⁵² نجف بنا به گزارش به مدتی نفی بلد محکوم شده است.

صغرا مولایی به خاطر مشارکت در قتل شوهرش عبدالله در ژانویه 2004 به 15 سال زندان و به خاطر زناي محصنه به اعدام به وسیله سنگسار محکوم شده است. در بازجویی او گفته است: «شوهرم مرا مرتبا آزار می‌داد. با این حال، من قصد کشتن او را نداشتم. در شب آن واقعه ... پس از این که علیرضا شوهر مرا کشت، من با او فرار کردم چون می‌ترسیدم در خانه بمانم و فکر می‌کردم برادران شوهرم مرا خواهند کشت.» علیرضا به خاطر قتل به مرگ و به خاطر «روابط نامشروع» به 100 ضربه شلاق محکوم شده است. در نوامبر 2007 اعلام شد که در پی تحقیقات مجدد در باره پرونده صغرا به وسیله دادگاهی در اصفهان، او از اتهام زنا تبرئه شده و به خاطر «روابط نامشروع» به 80 ضربه شلاق محکوم شده است. پس از اجرای حکم شلاق، صغرا برای گذراندن باقیمانده حکم حبس به زندان ورامین در نزدیکی تهران منتقل شده است.

جزئیات پرونده **زهرا رضایی** در دست نیست. آیت الله شاهرودی پس از دریافت توماری به امضای 100 فعال حقوق زنان ایران و 4000 نفر از افراد دلسوز، سنگسار **اشرف کلهری** (به قسمت‌های بالاتر مراجعه کنید) را موقتا متوقف کرد.⁵³ ولی او هنوز با خطر روبرو است. وکیل او حقوق‌دان شادی صدر در نامه سرگشاده‌ای نوشت:

«این که مردم برای نجات جان يك انسان ديگر مشترکا کار کنند واقعا احساسی عالی به آدم می‌دهد. همچنین باید بگویم که برای من به عنوان وکیل او مایه خوشوقتی است که در خوشحالی خود با همه کسانی که با ما بودند و از تلاش برای نجات او حمایت کردند شریک باشیم.»

پیکارگران تحت تعقیب

زنان و مردان شجاع ایرانی که علیه سنگسار مبارزه کرده‌اند، به خصوص آنانی که با کمپین قانون بی‌سنگسار کار می‌کنند، با درجات مختلفی از آزار و ارباب روبرو شده‌اند.

برای مثال، آسیه امینی، شادی صدر و محبوبه عباسقلی زاده، که یکی دیگر از اعضای برجسته کمپین قانون بی‌سنگسار است، جزو 33 نفری بودند که در مارس 2003 در جریان اعتراض به محاکمه پنج تن از فعالان حقوق زن در تهران دستگیر شدند.⁵⁴ آنان احتمالا به اتهام «اختلال در نظم عمومی» و «اقدام علیه امنیت کشور» تحت محاکمه قرار خواهند گرفت. آسیه



محبوبه عباسقلی زاده
© www.kosoof.com



شادی صدر

امینی در مصاحبه‌ای با برنامه «گزارش‌ها» برای شرکت سخن‌پراکنی کانادا در اکتبر 2007 به دستگیری خود اشاره کرد و گفت از یکی از دوستانش که در همان موقع دستگیر شده در باره فعالیت‌های آسیه امینی در کمپین قانون بی‌سنگسار بازجویی کرده‌اند.⁵⁵ در نوامبر 2006، سایت اینترنتی قانون بی‌سنگسار www.meydaan.com از سوی

مقامات مسدود شد.

آسیه امینی که مقاله‌اش در مورد سنگسار مخفی عباس ح. و محبوبه م. © www.kosoof.com



آسیه امینی
© Iran Emrooz

در مشهد در 2006 (به فصل 3 رجوع کنید) به ایجاد کمپین قانون بی‌سنگسار منجر شد، به خاطر فشارهای روحی که به دلیل ادامه گزارش‌هایش در مورد سنگسار بر او وارد شده از سلامتی خود هزینه می‌پردازد. تحقیقات اولیه، او را به این اندیشه انداخت که شبکه‌ای از وکلا و افراد دیگر برای پیکار در راه الغای این مجازات و نجات جان انسان‌هایی که به مرگ با سنگسار محکوم شده‌اند تشکیل دهد. او پس از سفر به تاجیکستان در ژوئیه 2007 برای تهیه گزارش و تصویر از سنگسار جعفر کیانی (به مقدمه رجوع کنید) نوشت: «سنگ‌های خون‌آلودی روی زمین بود. من به یکی از آن‌ها دست زدم، و

وقتی به خانه برگشتم تا ساعت‌ها نمی‌توانستم تکان بخورم». او سپس سردردهای شدیدی گرفت و ناراحتی چشم پیدا کرد و سپس بیماری سختی گرفت و نزدیک بود کور شود.⁵⁶ او در يك بلاگ نوشت:

«چه کسی قرار است به ما بیاموزد که چه قدر از موضوع کارمان فاصله بگیریم وقتی می‌روی و می‌بینی که مادری کنار دار پسرش نشسته است، در باره این چیزها نمی‌اندیشی.»

6 - توصیه‌ها

مدافعان حقوق بشر در ایران معتقدند که تبلیغات و فشار بین‌المللی، در حمایت از تلاش‌های داخلی، می‌تواند به تغییر در این کشور کمک کند. عفو بین‌الملل می‌داند که پیکار می‌تواند جان‌هایی را نجات دهد و امیدوار است که در نهایت بتواند مقامات ایران را به لغو اعدام به وسیله سنگسار و هم‌آهنگ کردن رویه‌های قانونی این کشور با تعهدات آن تحت قوانین بین‌المللی متقاعد کند.

برای تحقق این هدف، عفو بین‌الملل توصیه‌های زیر را ارائه می‌دهد:

به مجلس شورای اسلامی

- با حذف یا اصلاح قطعی ماده 83 قانون مجازات، به خصوص در قانون مجازات جدید، اعدام به وسیله سنگسار را فوری ملغا کنید.
- در تمام قوانین مربوطه را، با هدف جرم‌زدایی از روابط جنسی مرضی‌الطرفین افراد بالغ در خلوت، بازنگری کنید.
- در تمام قوانین کشور که بر اساس آن حکومت می‌تواند فردی را بکشد، با هدف فوری کاهش تدریجی گستره مجازات اعدام، و با چشم‌انداز الغای کامل مجازات اعدام، بازنگری کنید.
- در تمام قوانین کشور برای تضمین این که هر کس که با اعدام قانونی مواجه است بتواند بر اساس تعهدات ایران تحت ماده 6(4) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی تقاضای عفو یا تخفیف کند، بازنگری کنید.

به شورای نگهبان

- ترتیب مطمئنی بدهید که اعدام به وسیله سنگسار تحت هیچ قانونی که برای تأیید به شورا فرستاده می‌شود، مانند قانون مجازات، مجاز شناخته نشود.

به رییس قوه قضائیه

- تضمین ایجاد کنید که دستور توقف تمام اعدام‌ها به وسیله سنگسار که در سال 2002 صادر شده، تا موقعی که قانون منع این گونه مجازات‌ها تصویب شود، در تمام کشور کاملاً اجرا گردد.
- همه احکام سنگسار را که به رییس قوه قضائیه ارجاع می‌شود لغو کنید.

به مقام رهبري

- همه احكام اعدام را كه براي بخشودگي عرضه مي‌شود تخفيف دهيد و توقف مجازات اعدام را، با چشم‌انداز الغاي آن، اعلام كنيد.

به جامعه بين‌المللي

- مقامات ايران را، براي الغاي فوري عمل اعدام به وسيله سنگسار و انجام اقدامات مشخص ديگري براي کاهش تدريجي و سپس الغاي مجازات اعدام در ايران، تحت فشار قرار دهيد.
- مقامات ايران را، براي بازنگري در قوانيني كه روابط جنسي مرضي طرفين افراد بالغ در خلوت را جرم مي‌شناسد و تضمين اين كه كسي به خاطر اين گونه روابط اعدام يا زنداني نشود يا شلاق نخورد، تحت فشار قرار دهيد.

پیوست 1: کمپین علیه سنگسار، نوشته آسیه امینی

این مقاله ابتدا در www.roozonline.com منتشر شد. آن را می‌توانید در تارنمای کمپین قانون بی‌سنگسار www.meydaan.org ببینید.

کمپینی علیه خشونت و تاجر؛ آسیه امینی

تاریخ: 25 تیر 1386

یک سال و سه ماه پیش زن و مردی در بهشت رضای مشهد سنگسار شدند. وقتی آن روز خبر سنگسار این دو را در مشهد پی‌گیری کرده و خبرش را منتشر کردیم، نه فقط این عمل از سوی مقامهای رسمی کشور (از جمله مرحوم کریمی‌راد، سخنگوی وقت قوه قضائیه و وزیر دادگستری پیشین) رد شد، که دوستان و همکارانمان نیز بارها و بارها به ما یادآور شدند که طبق بخش نامه‌ای که رئیس قوه قضائیه در سال 81 خورشیدی ابلاغ کرده بود، هرگز این حکم بعد از آن تاریخ در کشور اجرا نشده است.

در همان زمان که این بی‌اعتنایی عمومی نسبت به اجرای حکم این دو نفر صورت می‌گرفت، در زندان اهواز، به یک محکوم به سنگسار اعلام کردند که به زودی حکمش به اجرا خواهد درآمد.

برای دیدن وکیل آن زن و پیدا کردن خانواده اش به اهواز رفته بودیم و در پی این بودیم که ببینیم آیا راهی برای رهایی یا کمک به او وجود دارد یا نه، که همانجا شنیدیم زن دیگری در جلفا وضعیت مشابهی دارد و عجیب اینکه پرونده اش بسیار تکان دهنده است که هر خواننده‌ای از صدور چنین حکمی تعجب می‌کند.

با این وصف یک بار او را تا پای گودال سنگسار نیز برده بودند و او که زنی باهوش بود و در زندان توانسته بود کتابهای حقوقی کتابخانه زندان را بخواند و دانش حقوقی خود را افزایش دهد، به قاضی اجرای حکم تذکر داده بود که درخواست توبه نامه اش از دفتر ریاست قوه قضائیه هنوز برنگشته و بنابراین اجرای حکم غیر قانونی است. و قاضی منصف، نیز به او این فرصت را داده بود تا بتواند خود را برهاند و با پی‌گیریهای مداوم مادر پیر و وکلای داوطلب و پی‌گیری و اطلاع‌رسانی رسانه‌های خبری، بالاخره حکم شکسته شد و در دادگاه بعدی او از اتهام زنای محصنه تبرئه شد.

همه این اتفاقات که مستندات آن به قدر کافی وجود دارد – و چه سندی بهتر از شاهد زنده- در حالی رخ داد که همچنان مقامهای رسمی اجرای حکم را رد کرده و حتا برخی از افراد مدنی نیز نسبت به اجرای حکم تردید داشتند.

چرا کمپین؟

کمپین قانون بی‌سنگسار در چنین شرایطی شکل گرفت و فعالیت خود را بر شناسایی، تحقیق در مورد پرونده و زندگی افراد محکوم، کمک به داشتن وکیل پی‌گیری، و فعالیت و اطلاع‌رسانی و در نهایت کمک به رهایی سنگساریان با چشم انداز لغو این قانون، که عین ترویج خشونت و تاجر است، از قوانین کشور متمرکز کرد. درحالی که نیز نیک می‌دانست، آنچه در پی این اتفاق، از لایه‌های پنهان یک حکم به گفتن رسانه‌ای و گفتن اجتماعی منجر می‌شود، تنها نجات جان یک انسان یا تغییر یک بند قانونی نیست. بلکه مسیری است که در آن قوانین تبعیض

آمیز بسیاری به بوتہ ی نقد عمومی گذاشته خواهد شد و ساختارهای اجتماعی و خانوادگی و حتا سیاسی فراوانی در برابرش قد علم خواهد کرد.

فعالان این کمپین، پیش از آن در حوزه های مختلف مربوط به زنان یا سایر حوزه های حقوق بشری فعالیت می کردند. تمرکز آنان بر موضوع سنگسار، نخستین بازتابش، بزرگنمایی و حتا سیاهنمایی "موضوعی که چندان هم مهم نیست" نام گرفت.

سنگسار انسانها از سوی برخی از منتقدان، به عنوان یک حوزه فعالیت به قصد تغییر اجتماعی، مهم جلوه نکرده بود به چند دلیل: یکی اینکه شمار زیادی از متهمان، بویژه زنان را شامل نمی شد. دوم اینکه ظاهرا تنها یک یا شمار اندکی از مواد قانونی تبعیض علیه زنان یا مواد غیر حقوق بشری را شامل می شد. سوم این که قانونی را که به عقیده ی آنها قرار است اجرا نشود چه لزومی به تغییر است؟

چهارم گروهی بودند که موضوع سنگسار را بیشتر از این که محل تنازع مسائل حقوقی بدانند، مولود فرهنگ عمومی اجتماعی می دانستند که خیانت جنسی را جرمی نابخشودنی و درخور سنگین ترین مجازاتها می داند. (که ناگفته پیداست در این نگاه سختگیر، مردان هزار گریزگاه دارند برای فرار از برچسب خیانت). به عبارتی در نگاه ایشان وجود افرادی در جامعه که حاضر به کشتن انسانی به این شیوه یا حتا حاضر به تماشای این صحنه هستند، یعنی داشتن مشروعیت سنگسار در افکار عمومی.

انتقادهای زیاد بود و برخی را ما نیز با تمام وجود حس می کردیم. یکیش همین که می دانستیم و می دانیم که فعالیت در خصوص سنگسار، همان قدر که نیازمند تغییر قانون است، نیازمند کار در بافتهای اجتماعی و تلاش برای تاثیرگذاری بر بافتهای سنتی جامعه است. چرا که در کشوری چون پاکستان و افغانستان و عراق، این قانون و مجریان قانون نیستند که سنگ می زنند، بلکه سنگسار مثل همه قتلهای ناموسی دیگر، طبق خواست و اراده ی مردانه ی مردان قوم، صورت می گیرد و اتفاقا هرچه این مجازات، بیشتر جنبه سنتی و عرفی پیدا می کند، ضد زن تر می شود. چرا که در آن سنتها - مثلا در پاکستان- حتا مجازات مردی که به دختری تجاوز کند، این است که مردان قبیله ی دختر مورد تجاوز قرار گرفته به خواهر یا یکی از دختران خانواده ی او تجاوز کنند! یا نمونه دعا خلیل اسود در کردستان عراق که در آوریل 2007 توسط مردان خانواده اش سنگسار شد، نمونه بارز این است که این مجازات اولاً نوعی قتل ناموسی تلقی می شود و درثانی در صورت بروز تخطی جنسی زنان، از قواعد مردانه ی حاکم بر سنتها، به اجرا در می آید.

باری، با این همه تلاش کمپین "قانون بی سنگسار" بر این حوزه متمرکز شد به چند دلیل: پیش از هر چیز، شدت خشونت این حکم، در حدی است که مصداق کامل شکنجه ای مخوف، پیش از مرگی اجباری است و تازه حتا اگر بنا به قانون، کسی با اقرار محکوم شده باشد و بتواند بگریزد از گودال سنگ آجین، باز نباید از او انتظار داشت این شکنجه و اثرات آن از زندگی اش پاک شود و کابوس سنگ تا همیشه با او خواهد ماند. بنابراین کافی است کسی در حوزه آسیبهای اجتماعی، بویژه زنان آسیب دیده فعالیت کند، در مسیر فعالیتش به محکومان زن نیز بر بخورد و بخواهد در همان حوزه هم فعالیت کند. محکومان به سنگسار، بی پناه ترین و نیازمندترین و مستحق ترین افرادی هستند که نیازهای روحی و عاطفی شان، آسیبهای اجتماعی شان و بدتر از همه کابوس محکومیشان، آنها را در اسفل السافلین زندانها و زندانیان قرار می دهد. و مگر می

شود که از کنار آنها به راحتی گذشت و تامل نکرد و نام فعال حقوق زنان و حقوق بشر بر خود نهاد؟!!

از سویی دیگر بر خلاف آنچه تصور می شود، گرچه محکومان به سنگسار در ایران از نظر شمار، اندکند، و نیز اگر چه در بین آنها مردانی نیز به چشم می خورند که مانند عباس و جعفر، به این حکم جان می دهند، ولی مسیری که افراد را به این نقطه پایان دردناک می رساند، مسیری است که در آن بیشترین تبعیض های جنسیتی علیه زنان رخ می نماید.

رویاهای يك فرد محکوم به سنگسار، تونل وحشتی است که در آن نداشتن حق انتخاب همسر، نداشتن حق طلاق، ارث کم (بضاعت مالی)، تعدد زوجین شوهر، نداشتن حقوق جنسی، نداشتن استقلال مالی به خاطر مسوول خانواده بودن مرد و اختیار تصمیم گیری برای زن را نداشتن، نداشتن حق حضانت فرزند و ... دائما آنها را تهدید می کند به سرنوشتی محتوم. بنابراین فرد سنگساری، فردي است که در پایان این تونل وحشت ایستاده است. و آیا کمند کسانی که - به ویژه زناني- که در مسیر این تونل هر روز راهروهای دادگاه خانواده را بارها و بارها پایین و بالا می روند یا در پستوی رویاهایشان، هر آینه، ممکن است معجزه ای رخ دهد و ایشان را برهاند از این بند؟

این حمایت، به هیچ وجه جنبه تایید چیزی به نام "خیانت" نیست. بلکه حمایت از حق انتخاب برای نوع بشر است، فارغ از جنسیتشان. حمایت از قانون برابر است. و همین طور نمایانند ضرورت هایی است برای تغییر ساختارهای اجتماعی به نفع زنان.

مساله حقوق زنان، در کشوری مثل کشور ما که فرهنگ غالب در آن تصویری است، نه مکتوب، نیازمند نشان داده شدن مصداقهای عینی است. از این منظر نیز سنگسار و کیسهای سنگساری، مصداقهایی هستند قابل لمس. تو با خواندن زندگی حاجیه نمی توانی با او همدلی نکنی. با دانستن زندگی مکرمه بی تردید به ضرورت حق انتخاب همسر برای دختران فکر می کنی. بنابراین، کمپین تلاش کرد تا با غور در زندگی زنان و مردان سنگساری، تصویر پشت پرده ی آنها را به مردم نشان دهد. دائم از آنها اطلاع رسانی کند و از سویی به عنوان موضوع مورد مطالعه اجتماعی-زنان، ایشان را زیر ذره بین ببرد.

نتیجه اگر چه امروز عیان شدن پایان تلخ زندگی يك مرد زیر سنگ است، اما از یاد نبریم که این پایان، پیش از این نیز رخ می داده است و دور از نگاه شکافنده افکار عمومی. اما این بار زیر نورافکنی که با وجود میثاقهای بین المللی حمایت کننده از کرامت انسانی نوع بشر، مجبور به پاسخگویی است. اینبار رسانه ها می توانند این واژه ممنوعه را که پیش از آن با واژه ی "اعدام شرعی" و در اسناد ثبت اموات با عنوان "اعدام غیر جنگی" از آن یاد می شد به عرصه عمومی بکشانند.

و نیز در پاسخ به آنان که می پرسند آیا باید از برابر جرم خیانت به همسر با سکوت گذشت، باید بگویم که موضوع کمپین، جرم شناسی خیانت نیست. در اینجا موضوع، مجازات است، خود مجازات و نه نسبت آن با جرم. خیانت در قاموس ما و در قانون ما جرم تعبیر شود یا نشود، مجازات با شکنجه، امری غیر قانونی و غیر مجاز است. و برای سوال ایشان که بحثی تخصصی است حقوق دانان باید پیشنهادهای خود را به مراجع قانون گذار اعلام و رسانه ها در انتشار آن تلاش کنند. و آن مرحله ای بعد از چشم انداز پیش روی ماست.

و یکی از عجیب ترین واکنش ها هم این بوده که تا وقتی کسانی هستند که سنگ می زنند و تا وقتی خیانت، امری نکوهیده در قاموس اجتماعی ماست، حتا پاک شدن این حکم، از صفحه قانون نیز نمی تواند مشکلی حل کند. می گویم این واکنش عجیب است زیرا اولاً قانون که نباید تابع صد نفر سنگ انداز باشد! قانون باید حامی امنیت کل جامعه و نیز حامی تک تک افراد باشد. قانون باید تابع مدنیت جامعه امروز باشد و همین قانون اگر با همین چشم انداز، پیش می رفت، شاید اصلاً مواردی چون محکومان به سنگسار هرگز دلیل وجودی نمی یافتند. قانون باید پیشگیری کننده باشد و جامعه را به سمت کاهش خشونت و کاهش جرم و جنایت سوق دهد.

اگر زنانه مثل محبوبه یا مکرمه توان جدا شدن از همسری داشتند که ادامه زندگی در زیر یک سقف با او امکان پذیر نبود، و اگر قانون از آنها و فرزندانشان در این درخواست جدایی، حمایت می کرد، کار نه به خیانت می کشید و نه به همسرکشی و ... نه به سنگسار ایشان.

نکته دیگر این که رویه های قضایی طی شده بر محکومان سنگسار به قدری متفاوت است که تعجب برانگیز است. زنی که توسط همسرش فروخته می شده، همان حکمی را دریافت کرده که زنی که به خواست قلبی خود جواب داده است. زنی که هنگام قتل همسرش در شهری دیگر بوده و هرگز خودخواسته و خودآگاه، اعتراف به رابطه ای نکرده، همان حکمی را گرفته که زنی را با قاتل همسرش در شهری دور از شهر اولیه گرفته اند.

بنابراین دستاورد دیگری که از مسیر کمپین به دست می آید، تحقیق درباره این رویه های قضایی است که گاه برای اتهام های مشابه، احکامی متفاوت صادر می شود و گاه برای اتهام های متفاوت، احکام مشابه.

چون صد آید، نود هم پیش ماست

حقوق بشر، تعهدی در قاب انتزاعی ذهن ما مردم نیست. حقوق بشر تامین حقوق تک تک افراد، است. اگر زنی در پایین ترین لایه های اجتماعی، که حق دسترسی به امکانات لازم برای دفاع از خود را ندارد، طوری تامین شود، که حقوق هر انسان دیگری، آنگاه است که می توانیم ادعا کنیم ما در مسیر حقوق برابر گام بر می داریم.

تاسف بارترین وضع، این است که بگویم مردی در تاکستان سنگسار شد ولی مرگ خونین او باعث شد تا ذهن مردم حساس شود به این که در پوسته ی زیرین این جامعه و این قانون چه می گذرد؟ و چه گذشته است بر محبوبه ها و عباسهایی که بی سر و صدا و در سکوت معنادار همه ما- از مرجع قضایی گرفته تا فعالان اجتماعی و رسانه ها و حتا مردم عادی- زیر تلی از سنگ پوکیدند.

و بالاخره این که " اگر می خواهی نگهم داری دوست من! از دستم خواهی داد". اگر فردی، همسری نمی خواهد یا نمی تواند به زندگی با او ادامه دهد، قبح شکستن یک سقف مشترک، بسیار کمتر از قبح کشتن یک فرد یا ترک کردنش با فرار، است. حقی که اگر به چشم "حق" به آن نگاه نکنیم، در هنجارهای درهم تافته ی اجتماعی ما شاید نام دیگرش "خیانت" باشد.

اصل مقاله در روز آنلاین - نویسنده: آسیه امینی

پیوست 2: آیین‌نامه مجازات زنا در ایران

قانون مجازات زنا در ایران

زنا در جمهوری اسلامی ایران يك جرم سنگین است و می‌تواند با شلاق، اعدام حلق‌آویز یا سنگسار مجازات شود. آن چه در زیر می‌آید مواد قانون مجازات اسلامی مربوط به مجازات قانونی زنا است.

قانون مجازات اسلامی

کتاب دوم

حدود

باب اول - حد زنا

فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا

ماده 63 - زنا عبارت از جماع مرد با زنی که بر او ذاتاً حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد و طی شبهه .

ماده 64 - زنا در صورتی موجب حد می‌شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد .

ماده 65 - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جائز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می‌شود .

ماده 66 - هر گاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و ناآگاهی کند در صورتی که احتمال صدوق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می‌شود و حد ساقط می‌گردد .

ماده 67 - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زناکراه شده است، ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می‌شود .

فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده 68 - هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می‌شود .

ماده 69 - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ - عقل - اختیار - قصد باشد .

ماده 70 - اقرار باید صریح یا بطوری ظاهر باشد که احتمال عقلائی خلاف در آن داده نشود .

ماده 71 - هر گاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنائی باشد که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می‌شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی‌شود .

ماده 72 - هرگاه کسی به زنائی که موجب حد است اقرار کند و بعد توبه نماید، قاضی میتواند تقاضای عفو او را از ولی امر بنماید و یا حد را بر او جاری نماید .

ماده 73 - زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه زنای او با یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت شود .

ماده 74 - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم باشد چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می‌شود .

ماده 75 - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود .

ماده 76 - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت يك مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور قذف طبق احکام قذف جاری می شود .

ماده 77 - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست .

ماده 78 - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند . در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حد قذف محکوم می گردند .

ماده 79 - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند ، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدانکنند ، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می گیرد .

ماده 80 - حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً جاری گردد .

ماده 81 - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید ، حد از اساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود .

فصل سوم - اقسام حدزنا

ماده 82 - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محسن و غیر محسن نیست .

الف - زنا با محارم نسبی 0

ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است .

ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است .

د - زنا با عتق و اگره که موجب قتل زانی اگره کننده است .

ماده 83 - حد زنا در موارد زیر رجم است -

الف - زیان مرد محسن ، یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند به او جماع کند .

ب - زنا با زن محسنه با مرد بالغ ، زن محسنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جمع با شوهر را نیز داشته باشد .

تبصره - زنا با نابالغ موجب حد تازیانه است .

ماده 84 - بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای شرایط احسان باشند قبل از رجم ، حد جلد جاری می شود .

ماده 85 - طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده ، مرد یا زن را از احسان خارج نمی کند ولی طلاق بائن آنها را از احسان خارج می نماید .

ماده 86 - زنا با مرد یا زنی که هر يك همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد ، موجب رجم نیست .

ماده 87 - مرد متأهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یکسال محکوم خواهد شد .

ماده 88 - حد زنا با زن یا مردی که واجد شرایط احسان نباشند صد تازیانه است .

ماده 89 - تکرار زنا قبل از اجراء حد در صورتی که مجازاتها از یکنوع باشد موجب تکرار حد نمی شود ولی اگر مجازاتها از يك نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی

- دیگر موجب رجم باشد ، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می شود .
- ماده 90** - هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می شود .
- ماده 91** - در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی شود ، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی شود ، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می گردد .
- ماده 92** - هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجراء حدتارفع بیم ضرربه تاخیر می افتد .
- تبصره** - حیض مانع اجرای حد نیست .
- ماده 94** - هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود يك دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد ، فقط یکبار به او زده می شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند .
- ماده 95** - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی شود .
- ماده 96** - حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود .
- ماده 97** - حد را نمی شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد .

فصل چهارم - کیفیت اجراء حد

- ماده 98** - هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچکدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد ، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت .
- ماده 99** - هرگاه زانی شخصی که دارای شرایط احسان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم ، اول حاکم شرع سنگ می زند بعداً "دیگران" ، و اگر زانی او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می زنند بعداً "حاکم و سپس دیگران" .
- تبصره** - عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجراء شود .
- ماده 100** - حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجراء گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد . تازیانه به شدت به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می شود تازیانه را به زن زانی در حالی می زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد .
- ماده 101** - مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجراء حد آگاه سازد و لازم است عده ای از مومنین که سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند .
- ماده 102** - مرد را هنگام رجم تانزدیکی کمر و زن را تانزدیکی سینه در گودال دفن می کنند آنگاه رجم می نمایند .
- ماده 103** - هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زانی او به شهادت ثابت شده برای اجرای حد برگردانده می شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد برگردانده نمی شود .
- تبصره** - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد برگردانده می شود .
- ماده 104** - بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصالت يك یا دو عدد شخص کشته شود همچنین کوچکی آن نباید به اندازه ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند .

ماده 105 - حاکم شرع می تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند ، اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجراء حد موقوف به درخواست صاحب حق می باشد .

ماده 106 - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد موجب تعزیر است .

ماده 107 - حضور شهودهنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی شود اما با فرار آنها حد ساقط می شود .

پیوست 3: آیین نامه مجازات سنگسار در ایران

آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق

پنج شنبه 10 فوریه 2005

شماره 444/01/1562 - مورخ 1382/6/27

آیین نامه نحوه اجرای احکام قصاص، رجم، قتل، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده 293 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری

فصل اول - نحوه اجرای احکامی که منجر به سلب حیات انسانی می شود.

مبحث اول

شرایط اجرا

ماده 1 - دادگاه بدوی صادر کننده حکم موظف است پس از قطعیت حکم و ابلاغ آن حسب مورد به محکوم علیه یا وکیل وی ، رونوشتی از حکم قطعی را طی نامه ای که متضمن تصریحات لازم باشد به همراه اسناد مربوط برای اجرای به مرجع قضایی مجری حکم ارسال کند.

تبصره - منظور از مرجع قضایی مجری حکم واحد اجرای احکام کیفری است که تحت نظر دادستان یا معاون وی می باشد و در حوزه هایی که تا کنون دادرسی تشکیل نگردیده تحت نظر رییس حوزه قضایی یا معاون وی است.

ماده 2 - حکم قصاص نفس پس از احراز قطعیت آن توسط دادگاه بدوی صادر کننده رأی و نیز طی مرحله استیذان از ولی امر مسلمین و تنفیذ آن از سوی رییس قوه قضاییه ، با اذن ولی دم یا اولیاء دم به موقع اجراء گذاشته خواهد شد.

ماده 3 - هر گاه یکی از مقامات قضایی در موردی که قانون تجویز نموده است تقاضای تجدید نظر در حکم قطعی را بنماید ، اجرای حکم تا اتخاذ تصمیم نهایی در این مورد به تأخیر می افتد.

ماده 4 - به استثناء مورد قصاص نفس ، چنانچه محکوم به اعدام ، قتل ، رجم ، صلب و یا قطع عضو به عنوان حد پس از لازم الاجرا شدن حکم و قبل از اجرای آن در خواست عفو نماید ، به دستور دادگاه صادر کننده حکم اجرای آن تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی به تأخیر خواهد افتاد . کمیسیون مزبور موظف است به این تقاضا و رسیدگی و در اسرع وقت نتیجه را به دادگاه اعلام کند .

ماده 5 - عروض جنون ، ارتداد و یا بیماری محکوم یا مستحاضه بودن محکوم علیها مانع اجرای حد یا قصاص یا اعدام نیست . لیکن ، در مورد محکوم مریض چنانچه طبق نظر و تجویز پزشک قانونی و یا پزشک معتمد و تأیید قاضی صادر کننده حکم بدوی یا دادستان مربوط مرض وی در حدی باشد که مانع انجام تشریفات اجرا مقرر در این آیین نامه باشد ، اجرای حکم تا رفع مانع به تأخیر می افتد .

ماده 6 - در ایام بارداری و نفاس زن حکم اعدام یا حد یا قصاص نفس اجرا نمی شود . همچنین است بعد از وضع حمل چنانچه به تجویز پزشک قانونی یا پزشک معتمد و تأیید قاضی صادر کننده حکم یا دادستان مربوط ، اجرای حکم موجب لطمه به سلامتی طفل به سبب قطع شیر مادر باشد که در این صورت اجرای مجازات تا رسیدن طفل به سن 2 سالگی به تعویق خواهد افتاد .

مبحث دوم

تشریفات اجرا

ماده 7 - پس وصول حکم قطعی و دستور اجرای آن از سوی دادگاه صادر کننده ، مرجع قضایی مجری حکم موظف است حداقل 48 ساعت قبل از زمان اجرای حکم مراتب را به مقامات و اشخاص زیر اطلاع داده و از آنها بخواهد جهت انجام وظیفه محوله در محل اجرای حکم حاضر شود :

الف - قاضی صادر کننده حکم بدوی ، در صورتی که حضور وی به موجب قانون لازم باشد .

ب - رییس اداره زندان یا قائم مقام وی برای تهیه مقدمات اجرای حکم و حفظ نظم در داخل محوطه زندان و یا همکاری با مأمورین نیروی انتظامی و یا برای تسلیم زندانی در صورتی که حکم در خارج از محوطه زندان اجرا می شود .

ج - فرمانده نیروی انتظامی محل یا قائم مقام وی .

د - پزشک قانونی یا پزشک معتمد (چنانچه در محل پزشک قانونی نباشد) برای معاینه محکوم و نیز اعلام نظر را جمع به وضعیت جسمانی وی قبل از اجرا و معاینه جسد پس از اجرای حکم .

هـ - یکی از روحانیون یا افراد بصیر برای انجام تشریفات دینی و مذهبی و اگر محکوم به یکی از ادیان رسمی شناخته شده باشد ، نماینده رهبر دینی مربوط یا نماینده وی . در هر صورت ، عدم حضور این افراد مانع از اجرای حکم نمی باشد .

و - منشی دادگاه برای قرائت حکم قبل از اجرا .

ز - اولیاء دم مقتول یا وکیل آنها .

ح - وکیل محکوم علیه . عدم حضور وکیل یاد شده مانع از اجرای حکم نمی باشد .

ط - شهود ، در صورتی که حضور شهود به موجب قانون لازم باشد .

تبصره 1 - در صورتی که بنا به جهاتی حضور تماشاچی یا طبقات خاصی در محل اجرای حکم به مصلحت نباشد ، بنا به تشخیص دادستان ، مأمورین انتظامی از ورود آنان به محل اجرای حکم جلوگیری به عمل می آورند. در نقاطی که داسرا تشکیل نگردیده است ، تشخیص این امر به عهده رییس حوزه قضایی است .

تبصره 2 - تأمین محل اجرای حکم در خارج از محوطه زندان به عهده نیروی انتظامی است .

ماده 8 - قبل از اجرای حکم ، پزشک قانونی یا پزشک معتمد به اتفاق قاضی مجری حکم به محبس محکوم رفته ، او را معاینه و اعلام نظر می کند . در صورتی که از نظر جسمی مانعی برای اجرای حکم نباشد قاضی مجری حکم به محکوم اطلاع می دهد چنانچه تقاضای ملاقات با اشخاصی را دارد اظهار نماید . در صورت تقاضای ملاقات ، اشخاص مورد نظر محکوم علیه - به شرطی که قبول تقاضا موجب تأخیر اجرای حکم نشود - به محل حبس دعوت می شود .

ماده 9 - پس از حضور فرد یا افراد مورد تقاضا ، رییس زندان یا قائم مقام وی ترتیب ملاقات محکوم را با آنان می دهد . محکوم حق دارد هر گونه مطلبی را در حضور مرجع قضایی مجری حکم یا بدون حضور وی به ملاقات کنندگان کتباً یا شفاهاً اظهار کنند . فقط رییس زندان یا قائم

مقام وي بايد در جريان ملاقات و بيان اظهارات حاضر باشد . در صورت ضرورت از يك نفر مترجم استفاده خواهد شد .

ماده 10 - روحاني يا فرد بصير دعوت شده ، بايد اقدامات زير را انجام دهد :

1- تذکر به محکوم مبني بر توبه .

2- تذکر به محکوم مبني بر اينکه چنانچه وصيتي دارد اعلام نمايد .

3- تذکر به محکوم براي غسل ميت و تخنيط و تکفين خود در مورد قصاص نفس و رجم .

تبصره 1 - نظارت بر انجام امور فوق با مقام قضايي مجري حکم است و عنداللزوم خود اقدام تذکر به محکوم خواهد نمود .

تبصره 2 - مأمورين زندان و يا نيروي انتظامي حسب مورد به محکوم اجازه مي دهند تا با آب صدر و آب کافور و آب خالص غسل نمايد و سپس به ترتيبي که در خصوص اموات مقرر است و با رعايت موازين شرعي خود را با سه قطعه کفن ، تکفين و حنوط نمايد . در اين صورت ، پس از اجراي حکم و مرگ مرجوم و يا محکوم به قصاص بدون نياز به غسل و کفن جديد با همان وضعيت بر او نماز ميت خوانده و در قبرستان مسلمين دفن مي گردد ، مگر اينکه محکوم قبل از اجراي حکم غسل نکرده باشد که در اين صورت غسل ميت و ساير تشريفات مربوط به دفن ميت در مورد وي انجام خواهد شد .

تبصره 3 - چنانچه محکوم وصيتي داشته باشد مقامات ياد شده نوشته جات و وصاياي او را پس از ملاحظه مرجع قضايي مجري حکم و اعلام بلامانع بودن آن و پس از اجراي حکم ، بدون تأخير به مقصدي که محکوم تأييد کرده است ارسال مي دارد .

تبصره 4 - هزينه اجراي حکم مقرر در اين ماده و تبصره هاي آن به عهده قوه قضاييه است .

ماده 11 - در صورتي که محکوم غير مسلمان باشد قبل از اجراي حکم آداب ديني مذهبي لازم مطابق مقررات دين و مذهب وي به عمل خواهد آمد . عدم حضور رهبر ديني مربوط يا نماينده وي ، مانع از اجراي حکم نخواهد بود .

ماده 12 - اگر محکوم خوردني يا آشاميدني تقاضا کند مأمورين مکلف به تهيه آن هستند مگر اينکه تقاضاي وي فقط براي تأخير اجراي حکم باشد . تشخيص اين امر با مرجع قضايي مجري حکم است .

ماده 13 - در مواردی که محکوم عليه در زندان است و حکم در خارج از محل زندان اجرا مي شود ، صورت جلسه تهيه و به امضاي مسؤل اجراي حکم ، رييس زندان يا قائم مقام وي ، پزشک حاضر در محل ، منشي دادگاه و فرمانده نيروي انتظامي محل يا قائم مقام وي مي رسد . رييس زندان هويت زنداني را از حيث تطبيق مشخصات وي با آنچه در حکم دادگاه آمده است تأييد نموده و ذيل آن را امضا خواهد کرد .

مبحث سوم

نحوه اجراء

ماده 14 - اجراي قصاص نفس ، قتل و اعدام ممکن است بصورت حلق آويز به چوبه دار و يا شليک اسلحه آتشين و يا اتصال الکتريسته و با به نحو ديگر به تشخيص قاضي صادر کننده رأي انجام گيرد .

تبصره - در صورتی که در حکم صادره نسبت به نحوه و کیفیت اعدام ، قصاص نفس و قتل ترتیب خاصی مقرر نشده باشد ، محکوم به دار کشیده می شود .

ماده 15 - زمان اجرای حکم ، اول طلوع آفتاب خواهد بود ، مگر اینکه دادگاه زمان خاصی را تعیین کرده باشد و اجرای حکم حسب مورد با مأمورین زندان یا نیروی انتظامی است ، ولی در مورد قصاص نفس ولی دم می تواند شخصاً محکوم را قصاص کرده یا وکیل بگیرد .

ماده 16 - مأمورین اجرای حکم موظفند قبل از اجرای حکم ابزار و عدوات و آلات اجرا را دقیقاً مورد معاینه و بررسی قرار داده و از استحکام و آماده بودن آنها برای اجرای حکم اطمینان حاصل کنند. وسایل مذکور نباید به گونه ای باشد زاید بر آنچه اقتضای اجرای حکم است موجب شکنجه ، تعذیب و یا مثله شدن محکوم گردد همچنین ، کلیه عملیات اجرایی باید با کمال آرامش و بدون اعمال خشونت ، توسط افراد خبره انجام شود .

ماده 17 - نظارت بر صحت اجرا و رعایت تشریفات لازم و عدم تأخیر و تعطیل آن با مقام قضایی مجری حکم است . پس از رعایت تشریفات و شرایط مذکور ، محکوم تحت الحفظ به محل اجرای حکم آورده می شود و سپس با اجازه مقام قضایی مجری حکم ، منشی دادگاه متن حکم را با صدای بلند قرائت می کند و پس از آن بلافاصله به دستور مقام مذکور ، حکم طبق مفاد مندرج در آن به اجرا در می آید .

تبصره - چنانچه محکوم به قتل یا رجم قبل از اجرا منکر بزه انتسابی می شود و مورد مشمول ماده 71 قانون مجازات اسلامی باشد به دستور مقام قضایی مجری حکم از اجرای حکم خودداری می شود و مراتب به مرجع قضایی صادر کننده رأی اعلام می گردد .

ماده 18 - پس از اجرای حکم ، چنانچه به تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد اطمینان مرگ محکوم حاصل شود ، از محل اجرای حکم خارج و جسد تحویل پزشک قانونی می شود . چنانچه کسان محکوم جسد را مطالبه نمایند به تشخیص و دستور مقام قضایی مجری حکم تسلیم آنان می شود والا طبق مقررات شرعی و قانونی دفن خواهد شد . در فرض اخیر ، کلیه هزینه ها را از بیت المال پرداخت می شود .

ماده 19 - از اجرای حکم صورت مجلس تهیه شده و به امضای مقام قضایی مجری حکم ، رییس اداره زندان یا نماینده وی ، فرمانده نیروی انتظامی محل یا قائم مقام وی در صورت اجرای حکم در خارج از محل زندان ، پزشک قانونی یا پزشک معتمد ، منشی دادگاه ، اولیاء دم یا وکیل آنها و وکیل محکوم علیه (در صورت حضور) می رسد و در پرونده مربوط ضبط می گردد .

ماده 20 - در صورت صلاحدید مقام قضایی مجری حکم ، از مراسم اجرای حکم توسط مسئولین زندان یا مأمورین انتظامی حسب مورد فیلمبرداری یا عکس برداری شده و عکس ها یا فیلم ها در پرونده محکوم بایگانی می شود و خبر اجرای حکم با ذکر نوع جرم و خلاصه رأی دادگاه در روزنامه ها منتشر می گردد . در موارد استثنایی که به تشخیص رییس قوه قضاییه یا مقامات مجاز از طرف ایشان مصلحت ایجاب کند ، عکس محکوم در حال اجرای حکم توسط رسانه های گروهی برای اطلاع عموم انتشار می یابد .

مبحث چهارم

تشریفات خاص اجرای حد رجم

ماده 21 - قبل از اجرا ، مرجع مجري حکم در صورت تشخیص قاضي صادر کننده حکم مردم را از زمان اجرائي حکم آگاه مي سازد و در هر حال لازم است حد اقل سه نفر از مؤمنين در زمان اجرائي حد حضور داشته باشند .

ماده 22 - مأمورين نيروي انتظامي يا زندان حسب مورد موظف اند بدواً محل اجرائي حد را به کيفيت مقرر در ماده 102 قانون مجازات اسلامي حفر نموده و مقداري سنگ به اندازه هاي مقرر در ماده 104 همان قانون در محل اجرائي حکم آماده کنند . قاضي مجري حکم بدواً اقدامات انجام يافته به شرح فوق را بررسي نموده و پس از تأييد دستور اجرائي حکم را خواهد داد .

ماده 23 - چنانچه محکوميت به رجم بر اساس اقرار محکوم باشد هنگام اجرائي حکم بدواً قاضي صادر کننده رأی سنگ مي زند و سپس ديگران . ولي اگر محکوميت بر اساس شهادت شهود باشد اول شهود سنگ مي زنند و سپس قاضي ياد شده .

تبصره 1 - منظور از قاضي صادر کننده رأی ، قاضي صادر کننده رأی بدوي است مگر اينکه شعبه تشخیص ديوان عالي کشور با نقض حکم دادگاه بدوي ، حکم به رجم داده باشد که در اين صورت ربيس شعبه مذکور يا يکي از اعضاي شعبه به تشخیص ربيس شعبه اقدام به زدن سنگ مي نمايد .

تبصره 2 - عدم حضور يا اقدام قاضي صادر کننده رأی و شهود براي زدن اولين سنگ مانع اجرائي حد نيست و در هر صورت حکم به دستور مقام قاضي مجري حکم اجرا مي شود ، مگر اينکه زناي محکوم به شهادت شهود ثابت شده باشد و شهود در هنگام اجرائي حکم فرار کنند و يا زنا به اقرار خود ثابت شده باشد و وي از گودالي که در آن قرار گرفته است فرار کند که در اين دو مورد حد ساقط مي شود و مقام قضايي مجري حکم دستور توقف اجرا را خواهد داد . همچنين است اگر مورد ، مشمول ماده 71 قانون مجازات اسلامي مصوب 1370 باشد که در اين صورت مطابق تبصره ماده 17 اين آيين نامه عمل مي شود .

مبحث پنجم

تشریفات اجرائي خاص حد صلب

ماده 24 - در اجرائي حد صلب محکوم را به چوبه دار که شبيه صليب تهيه شده ، در حالي که پشت به صليب و رو به قبله بوده و پاهایش مقداري از زمين فاصله عمودي مي بندند و به مدت سه روز تحت حفاظت و مراقبت مأمورين نيروي انتظامي به همان حال رها مي کنند . پس از انقضاي سه روز ، او را از چوبه دار پايين مي آورند اگر فوت کرده باشد پس از انجام مراسم مذهبي دفن و در غير اينصورت او را رها مي کنند و چنانچه نياز به ارائه خدمات پزشکی داشته باشد اقدامات درماني بلامانع خواهد بود .

تبصره - چنانچه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردد ، پايين آوردن جسد براي انجام مراسم مذهبي و کفن و دفن قبل از انقضاي سه روز بلامانع است .

فصل دوم - نحوه اجرائي احکامي که مستلزم قطع عضو است .

ماده 25 - در قصاص عضو يا قطع عضو در اجرائي حدود ، علاوه بر رعايت شرايط و ضوابط مقرر در قانون مجازات اسلامي ، رعايت مواد 1 ، 3 ، 4 ، 5 ، 6 ، 14 ، 15 ، 16 ، 18 ، 19 ، 20 اين آيين نامه الزامي است .

ماده 26 - حضور پزشك به منظور تشخیص و اجرای مفاد مواد 272 ، 275 ، 290 ، 291 ، قانون مجازات اسلامي ضروري است .

فصل سوم - نحوه اجرای حکم شلاق

ماده 27 - اجرای شلاق به وسیله نوار چرمي به هم تابیده بطول تقریبی يك متر و به قطر تقریبی 1/5 سانتی متر انجام می شود .

ماده 28 - حتی المقدور دست و پای محکوم به محل اجرای حکم بسته می شود تا از حرکات اضافی محکوم که ممکن است منجر به اصابت شلاق به نقاط ممنوعه شود جلوگیری بعمل آید .
تبصره - منظور از نقاط ممنوعه سر و صورت و عورتین است .

ماده 29 - مجازات شلاق چنانچه در فضای سرپوشیده اجرا شود باید دمای هوای آن معتدل باشد و چنانچه در فضای باز اجرا شود نباید دمای هوا بسیار سرد یا بسیار گرم باشد . در نقاط سردسیر سعی می شود در ساعات گرمتر و در نقاط گرمسیر در ساعات خنکتر حکم اجرا گردد .

ماده 30 - اجرای حد شلاق از حیث شدت و ضعف ضربات به ترتیب زیر است :

حد شلاق زنا و تفخیز شدیدتر از حد شرب خمر است و حد شرب خمر شدیدتر از حد قذف و قوادی است

ماده 31 - اجرای حد شلاق با توجه به ماده 300 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مطابق مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامي است .

ماده 32 - اجرای حد محکومین اناث به نحو نشسته و با لباسی که بدن آنها بسته باشد اجرا می شود . ماده 33 - شلاق های حدی محکومین ذکور به نحو ایستاده اجرا می شود و در حد زنا و تفخیز و شرب خمر در حالی است که پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و در حد قوادی و قذف از روی لباس معمولی اجرا می شود .

ماده 34 - اجرای شلاق تعزیری با رعایت ماده 288 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری به نحو زیر انجام می شود :

الف- شلاق در حالتی که محکوم بر روی شکم خوابیده و پوشش او لباس معمولی است به پشت بدن بجز سر و صورت و عورت زده می شود .

ب- شلاق به نحو یکنواخت و بطور متوسط زده می شود .

ماده 35 - این آیین نامه در اجرای ماده 293 قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب 1378/6/28 کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامي در 36 ماده و 7 تبصره به تصویب رییس قوه قضاییه رسید .

رییس قوه قضاییه - سید محمود شاهرودی

منبع اصلی قانون به فارسی: <http://www.hoqouq.com/law/article87.html>

- 1 برای اطلاع بیشتر این مورد به فصل 4 رجوع کنید.
- 2 برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به ایران: عفو بین‌الملل از گزارش مرگ با سنگسار به شدت ناراحت شده و نگران سرنوشت هم‌پرونده‌ای قربانی است، 7 ژوئیه 2007 AI Index: MDE 13/083/2007
- 3 علیرضا جمشیدی سخنگوی قوه قضاییه این سنگسار را در 10 ژوئیه 2007 تأیید کرد.
- 4 به فصل 3 رجوع کنید.
- 5 در 11 ژوئیه خبرگزاری دانشجویان ایران گزارش داد که یک مقام قضایی گفته است کارهای قاضی در این مورد از سوی دادگاه انتظامی قضات تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت.
- 6 در 29 ژوئیه، روزنامه اعتماد ملی گزارش داد که پرونده او به هیئت نظارت و پیگیری دادگستری تهران فرستاده شده است.
- 7 اقدام حفاظتی 1 از اقدامات حفاظتی سازمان ملل ضمانت‌کننده حفظ حقوق کسانی که با مجازات مرگ روبرو هستند، مصوب قطعنامه 1984/50 شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل می‌گوید: «در کشورهایایی که مجازات مرگ را ملغاً نکرده‌اند، مجازات اعدام را فقط می‌توان در مورد بدترین جنایات می‌تواند صادر کرد، به این معنا که گستره آن‌ها نباید از جنایات عمدی با عواقب مرگبار یا بسیار وخیم فراتر رود.»
- 8 تفسیر عمومی شماره 6 بر ماده 6، پاراگراف 7.
- 9 برای نمونه به ملاحظات نهایی کمیته حقوق بشر: یمن (CCPR/CO/84/YEM)، 9 اوت 2005، پاراگراف 15؛ و قطعنامه 2005/59 کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل، پاراگراف 7 (9) مراجعه کنید.
- 10 سه مورد دیگر عبارتند از قصاص، دیه، و مجازات‌های بازدارنده مانند جریمه - به مواد 20 - 12 قانون مجازات مراجعه کنید.
- 11 این امر می‌تواند شواهد جرم‌شناسی یا ژنتیک (دی‌ان‌ا) را در برگیرد.
- 12 آیت‌الله العظمی منتظری جانشین تعیین‌شده آیت‌الله خمینی بود تا موقعی که در سال 1989، پس از انتقادهای او از برخی از سیاست‌ها و از جمله اعدام‌های وسیع 1988، از این مقام برکنار شد. او اکنون سال‌های هشتاد عمر خود را می‌گذراند و بین 1997 و 2003 در حصر خانگی به سر می‌برد.
- 13 www.rferl.org/featuresarticle/2007/07/a8dcbe4b-0e23-4822-8d65-e4b6ec23bd9a.html.
- 14 مسلمانان شیعه معتقدند که پس از مرگ پیامبر محمد، 12 امام جانشین او شدند که اولین آن‌ها داماد او علی بود و سپس فرزندان او از تبار فاطمه دختر پیامبر. اعتقاد بر این است که امام دوازدهم نمرده است و بلکه مخفی‌شده (یا در غیبت به سر می‌برد)، و روزی به جهان باز می‌گردد و مقامی را که حق او است باز می‌گیرد.
- 15 www.meydaan.org/stoning/showarticle.aspx?arid=373&cid=46
- 16 <http://www.isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-1033254&Lang=P> و

17 وقتی قانونی از تصویب مجلس می‌گذرد، به شورای نگهبان ارجاع می‌شود تا در صورت مطابقت آن با قانون اساسی و قوانین اسلامی تأیید گردد. در صورت بروز اختلاف بین مجلس و شورای نگهبان، موضوع به مجمع تشخیص مصلحت ارجاع می‌شود که می‌تواند قانون را به دلیل «مصلح نظام» تصویب کند.

18 کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره 6 در باره حق حیات، پاراگراف 7. همچنین رجوع کنید به اقدام حفاظتی 5 از اقدام‌های حفاظتی سازمان ملل ضمانت‌کننده حفظ حقوق کسانی که با مجازات مرگ روبرو هستند.

19 در آوریل 2007، بر اساس دستورالعمل تازه رییس قوه قضاییه، چهار نهاد دولتی اجازه یافتند که بازداشتگاه داشته باشند و کسانی را که به جرایم ضد امنیت ملی متهم می‌شوند بازداشت کنند: وزارت اطلاعات، ستاد اطلاعاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نیروهای انتظامی و سازمان ضد اطلاعات نیروهای مسلح. بنا به این دستورالعمل، مسئولان این بازداشتگاه‌های «امنیتی» باید ماهانه فهرست اسامی بازداشتی‌ها را به رییس سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ارائه دهند.

20 Report of the UN Working Group on Arbitrary Detention, 27 June 2003, E/CN.4/2004/3/Add.2.

21 برای مثال، ماده 14 میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، اصل 18 (3) مجموعه اصول مربوط به محافظت از همه کسانی که تحت هر نوع بازداشت یا حبس هستند، اصل 1 از اصول پایه‌ای سازمان ملل برای نقش وکلا، و اقدام حفاظتی 5 از اقدام‌های حفاظتی سازمان ملل ضمانت‌کننده حفظ حقوق کسانی که با مجازات مرگ روبرو هستند.

22 کمیسیون حقوق بشر به حکومت‌ها یادآور شده است که «بازداشت طولانی بدون هرگونه ارتباط ممکن است ارتکاب شکنجه را تسهیل کند و به خودی خود می‌تواند نوعی از رفتار بیرحمانه، ناانسانی و تحقیرآمیز یا حتی شکنجه بشمار رود.» گزارشگر مخصوص سازمان ملل در امر شکنجه توصیه کرده است که بازداشت بدون هرگونه ارتباط غیر قانونی اعلام شود.

23 «علم» قاضی می‌تواند شواهد جرم‌شناسی یا ژنتیک (دی‌ان‌ا) - مثلا آزمایش‌های موبوط به ابوت - را در برگیرد.

24 به اصول 2 و 6 اصول بنیادین سازمان ملل برای استقلال قوه قضاییه، و کمیته حقوق بشر، تفسیر عمومی شماره 13، پاراگراف 7 مراجعه کنید.

25 ماده 19 قانون تجدید نظر، 1993.

26 ماده 232 آیین دادرسی جنایی، 1999.

27 شعبه تشخیص.

28 به جز در مواردی که در قانون مجازات مشخص شده است، و بر اساس آن، برخی از مجرمانی که اقرار و توبه کرده‌اند ممکن است به توصیه قاضی پرونده از سوی رهبر انقلاب مورد عفو قرار گیرند.

29 مواد 81، 126 و 133 قانون مجازات.

- 30 این امر به حق تقاضای بخشودگی از حکومت اشاره می‌کند. حکومت وظیفه دارد که حق بخشش‌خواهی را تضمین کند، گرچه می‌تواند خواست قربانی یا خانواده قربانی را نیز در نظر بگیرد.³¹
- 31 کمیسیون عفو و بخشودگی.
- 32 See Amnesty International's Urgent Actions (AI Index: MDE 13/053/2004 and follow-ups).
- 33 دادنامه شماره 128، تاریخ 25 آوریل 2000.
- 34 Report of the UN Working Group on Arbitrary Detention, 27 June 2003, E/CN.4/2004/3/Add.2.
- 35 در سال 2005، بنا به گزارش منتشره از طرف ایرنا، نرخ سواد زنان بین 15 تا 49 سال 75/2 در صد بوده است (نرخ سواد مردان بالای 80 در صد است). ولی این آمار تفاوت‌های قابل توجه استانی را پنهان می‌کند: در سیستان و بلوچستان، که بدترین نرخ سواد را دارد، فقط 55/2 در صد زنان با سواد هستند.
- 36 در سال 2002، سن قانونی ازدواج برای دختران از 9 به 13 افزایش یافت، ولی دختران کم‌سن‌تر از این هنوز ممکن است با تقاضای پدران از دادگاه ازدواج کنند. سن ازدواج برای پسران 15 سال است.
- 37 گرچه تعدادی پلیس زن وجود دارد، ولی زنان در ایفای نقش در نظام قضایی کشور محدودیت دارند.
- 38 *Iran briefing* (AI Index: MDE 13/008/1987).
- 39 AI Index: MDE 13/024/2001.
- 40 AI Index: MDE 13/006/2002.
- 41 بنا به گزارش، او هنوز با 100 ضربه شلاق به خاطر زنا و 15 سال زندان به خاطر مشارکت در قتل شوهرش روبرو است.
- 42 AI Index: MDE 13/053/2004.
- 43 پاسداران انقلاب، نیروهای مسلح ایران هستند و نیروهای شبه نظامی بسیج را تحت کنترل خود دارند.
- 44 www.meydaan.org/stoning/showarticle.aspx?arid=29&cid=46
- 45 گزارش شماره 5756/ه، 22 ژانویه 2007، اداره وحدت رویه قضایی و نشر مذاکرات و آرای دیوان عالی کشور، به نقل از مأوی، 11 مارس 2007
- 46 Amnesty International, Urgent Action, Iran: Further information on imminent execution: Ashraf Kolhari (AI Index: MDE 13/095/2006).
- 47 ISNA, 15 October 2007, <http://isna.ir/Main/NewsView.aspx?ID=News-1014781>.
- 48 <http://meydaan.com/Stoning/summary.aspx#11>.
- 49 روزنامه قدس، 27 سپتامبر 2007.
- 50 www.meydaan.com.
- 51 رجوع کنید به مصاحبه با غلامحسین رئیسی در باره فعالیتش علیه سنگسار و از طرف پریسا الف و شوهرش نجف در نشانی‌زیر:
www.meydaan.org/stoning/showarticle.aspx?arid=90&cid=46

⁵² برای اطلاع بیشتر، رجوع کنید به: Amnesty International's Urgent Action (AI Index: MDE 13/141/2006)

⁵³ www.msmagazine.com/news/uswirestory.asp?ID=9829

⁵⁴ سی و یک نفر از بازداشت‌شدگان بدون اتهام در 9 مارچ آزاد شدند. محبوبه عباسقلی زاده و شادی صدر در 19 مارچ با قرار وثیقه 200 میلیون تومان آزاد شدند. برای اطلاعات بیشتر رجوع کنید به:

Amnesty International's Urgent Actions (AI Index: MDE 13/028/2007 and MDE 13/031/2007).

⁵⁵ برای گرفتن پادکست حاوی این مصاحبه، به نشانی زیر مراجعه کنید: <http://www.cbc.ca/dispatches/thisseason/october.html>

⁵⁶ www.iranian.com/main/2007/asieh-s-eyes